

## تعمیم نظام مسئولیت بین‌المللی به بازیگران غیردولتی با تأکید بر جدایی طلبان

سید قاسم زمانی\*  
سید یاسر ضیایی\*\*

### چکیده

حقوق مسئولیت بین‌المللی، شاخه‌ای از حقوق بین‌الملل است که به اصول و قواعد حاکم بر فعل یا ترک فعل‌های متخلفانه بازیگران بین‌المللی و لزوم جبران خسارات ناشی از آن می‌پردازد. حقوق مسئولیت بین‌المللی به‌عنوان قواعد ثانوی حقوق بین‌الملل اصولاً زمانی پای به عرصه وجود نهاد که قواعد اولیه حقوق بین‌الملل در روابط میان دولت‌ها محصور شده بود و بازیگران غیردولتی، صرفاً زیان‌دیده اعمال متخلفانه ارتكابی توسط دولت‌ها قلمداد می‌شدند. عدم التزام عاملان غیردولتی به قواعد اولیه حقوق بین‌الملل، طبعاً انتساب مسئولیت بین‌المللی ناشی از نقض آن قواعد اولیه به آن‌ها را منتفی می‌ساخت؛ اما اینک عصر دیگری است. در اثر تحولات بین‌المللی مختلف، از یک سو عاملان غیردولتی به‌ویژه جدایی‌طلبان به بسیاری از قواعد اولیه حقوق بین‌الملل ملتزم شده‌اند و از سوی دیگر با جابه‌جایی نقش‌های سنتی در روابط بین‌الملل و علی‌الخصوص افزایش درگیری‌های داخلی، ضرورت بازنگری در جایگاه بازیگران غیردولتی در حقوق مسئولیت بین‌المللی جلب توجه می‌کند. امروزه بازیگران غیردولتی فقط زیان‌دیده نقض حقوق بین‌الملل نیستند، بلکه در موارد بسیاری به نقض حقوق بین‌الملل نیز مبادرت ورزیده‌اند. مسئولیت بین‌المللی جدایی‌طلبان در جریان مخاصمات جدایی‌طلبانه علیه دولت مرکزی از این دست است که در سه سطح جدایی‌طلبان موفق در تشکیل کشور، جدایی‌طلبان ناموفق در تشکیل کشور و افراد خصوصی همراه جدایی‌طلبان قابل بررسی است.

**واژگان کلیدی:** حقوق مسئولیت بین‌المللی، بازیگران غیردولتی، شورشیان، جدایی‌طلبان، مسئولیت فرمانده نظامی و غیرنظامی

dr\_gh\_zamani@yahoo.com

\*. نویسنده مسئول عضو هیأت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی

yaserziaee@gmail.com

\*\* دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل عمومی دانشگاه علامه طباطبائی

## مقدمه

حقوق مسئولیت بین‌المللی، مشخصه وجودی و ضامن بقای حقوق بین‌الملل محسوب می‌شود. در صورت فقدان نظامی برای حمایت از زیاندیدگان از نقض حقوق بین‌الملل و جبران خسارات وارد، به نظر می‌رسد که بود و نبود حقوق بین‌الملل تفاوت چندانی نخواهد داشت. به واقع، اگر نقض حقوق بین‌الملل، متضمن مسئولیت بین‌المللی متخلف قلمداد نمی‌شد «تعهد بین‌المللی» عاری از مفهوم حقوقی<sup>۱</sup> و حقوق بین‌الملل به اخلاق بین‌المللی فرو کاسته می‌شد. البته باید توجه داشت وجود نظام مسئولیت بین‌المللی و ساز و کارهای اجرای مسئولیت بین‌المللی، دو موضوع هر چند مرتبط، اما متفاوت هستند. ضعف و حتی فقدان ساز و کارهای اجرای مسئولیت بین‌المللی نباید باعث شود که عطای بررسی حقوق مسئولیت بین‌المللی به لقای آن بخشیده شود.<sup>۲</sup>

حقوق مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها ناشی از اعمال متخلفانه بین‌المللی، موضوعی است که بیش از پنجاه سال مورد توجه کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد بوده و پیش از آن نیز تحت سیطره حقوق بین‌الملل عرفی قرار داشته است.<sup>۳</sup> در بخشی از نظام مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها به نقش بازیگران غیردولتی و انتساب عمل آن‌ها به دولت پرداخته شده است. به عبارت دیگر، تنها از این زاویه به اقدامات متخلفانه بازیگران غیردولتی نگاه شده که گویی این اقدامات از سوی دولت، اما به کمک بازیگران غیردولتی ارتکاب یافته‌اند. بر همین اساس، طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل در مورد مسئولیت دولت‌ها در مواد ۴ تا ۱۱ خود به شرایط انتساب فعل یا ترک فعل این بازیگران به دولت اشاره کرده است.

آنچه در طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها به دلیل ماهیت این طرح بی‌پاسخ رها شده، مواردی است که اقدام بازیگران غیردولتی، نه از سوی دولت و به‌عنوان بازوی دولتی، بلکه توسط خود این بازیگران ارتکاب می‌یابد. کمیسیون حقوق بین‌الملل در تفسیر ماده ۱۰ طرح مسئولیت که به اقدامات متخلفانه شورشیان می‌پردازد صریحاً اعلام می‌کند که عبارت‌پردازی‌های کمیسیون به معنای رفع مسئولیت از شورشیان

---

۱. این امر بدان معنا است که مسئولیت بین‌المللی اصولاً مبتنی بر نقض تعهد بین‌المللی است. البته این امر نافی این نیست که ممکن است در موارد استثنایی، مسئولیت بین‌المللی ناشی از اعمال منع‌نشده در حقوق بین‌الملل باشد؛ اعمالی که دارای نفع اجتماعی بالا، اما توأم با خطر بالای ورود خسارت به دیگران هستند. مطالعات کمیسیون حقوق بین‌الملل در این زمینه نشان می‌دهد که این نوع مسئولیت عمدتاً در حوزه حقوق بین‌الملل محیط زیست و نیز اقدامات فوق‌العاده خطرناک، مثل استفاده صلح‌آمیز از فناوری هسته‌ای قابل طرح هستند. برای مطالعه بیش‌تر رجوع کنید به: زمانی، قاسم، «توسعه مسئولیت بین‌المللی در پرتو حقوق بین‌الملل محیط زیست»، *مجله پژوهش‌های حقوقی*، ش ۱، ۱۳۸۱، ص ۲۷-۵۹.

۲. در روابط بین‌المللی بسیار اتفاق افتاده که با ایجاد ساز و کار اجرای مسئولیت بین‌المللی، اقدامات متخلفانه قبلی مورد پیگرد قرار گرفته‌اند؛ مانند دیوان دآوری دعوای ایران - ایالات متحده آمریکا یا کمیسیون غرامت سازمان ملل متحد در مورد کویت.

۳. برای مطالعه بیش‌تر رجوع کنید به: کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد، *مسئولیت بین‌المللی دولت: متن و شرح مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل*، ترجمه علیرضا ابراهیم‌گل، چاپ دوم، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۸۹.

به‌عنوان بازیگران غیردولتی نیست.<sup>۴</sup> اما کمیسیون با توجه به عنوان و چارچوب طرح خویش به نظام مسئولیت بین‌المللی شورشیان یا بازیگران غیردولتی به طور کلی اشاره‌ای بیش از این نمی‌کند. در این مقاله تلاش بر این است تا با استفاده از مواد طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل در مورد مسئولیت دولت‌ها (۲۰۰۱)، رویه قضایی دادگاه‌های ملی، آرای قضایی و داوری بین‌المللی، اندیشه‌های حقوقدانان، و منطق حقوقی به تبیین یک نظام حقوقی برای مسئولیت بین‌المللی بازیگران غیردولتی پرداخته شود.

بازیگران غیردولتی طیف وسیعی از تابعان فعال یا منفعل حقوق بین‌الملل را شامل می‌شوند که در جامعه بین‌المللی امروز در مواردی نقش بیش‌تری نسبت به دولت‌ها دارند. مفهوم بازیگر غیردولتی، طیف وسیعی از سازمان‌های بین‌المللی (دولتی)<sup>۵</sup> تا افراد را در بر می‌گیرد. برخی از بازیگران غیردولتی نیز حیات موقتی دارند و در شرایطی خاص، تجلی می‌یابند. در حقیقت، ظهور آن‌ها به پدیداری شرایطی عارضی باز می‌گردد که ماهیتاً جنبه موقتی دارند. شورشیان در مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی از این دسته‌اند.

افزایش درگیری‌های داخلی به‌ویژه در سال‌های اخیر در حالی صورت پذیرفته است که حقوق بین‌الملل، عمده توجه خود را به مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها معطوف داشته است. لازم به ذکر است که حقوق بین‌الملل کنونی، محصول عصری بوده است که در آن صرفاً دولت‌ها صحنه‌گردان جامعه بین‌المللی بودند و آنچه غلبه داشت مخاصمات مسلحانه بین‌المللی بود؛ اما امروزه این ضرورت ملاحظه می‌شود که با توسعه مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی باید به طور عادلانه برای دو طرف درگیری که یکی دولتی و دیگری غیردولتی است، مسئولیت تعیین شود. بازیگران غیردولتی در مخاصمات، کم‌تر از طرف دولتی مرتکب اعمال متخلفانه نمی‌شوند و چه بسا این بازیگران با اطمینان خاطر از این که حقوق بین‌الملل، تنها دولت‌ها را مسئول می‌شناسد با فراغ بال، حقوق بشردوستانه را نقض کنند.<sup>۶</sup> گسترش تمایلات جدایی‌طلبی از یک سو و فقدان نظام مسئولیت برای بازیگران غیردولتی از سوی دیگر موجب شده تا تأکید پژوهش حاضر بر حقوق مسئولیت بین‌المللی جدایی‌طلبان باشد.

## ۱. انتساب عمل متخلفانه بین‌المللی به بازیگر غیردولتی

در وهله اول باید تعیین شود که چه اقداماتی، اقدامات بازیگران غیردولتی قلمداد می‌شود و قابل انتساب به

۴. همان، ص ۷۸-۷۲.

۵. برای مطالعه بیش‌تر در این مورد رجوع کنید به: زمانی، سید قاسم، *حقوق سازمان‌های بین‌المللی: شخصیت، مسئولیت، مصونیت*، چاپ ششم، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۸۸.

۶. عدم وضوح کافی در خصوص مسئولیت بین‌المللی بازیگران غیردولتی موجب شده تا این تصور پیش آید که این موجودیت‌ها از بی‌کیفری عملی (de facto impunity) بهره می‌برند. در این خصوص رجوع کنید به:

María Fernanda Pérez Solla, *The Notion of International Responsibility: A 'Classic' in Times of Change?*, available at [http://www.esil-sedi.eu/fichiers/en/PerezSolla\\_812.pdf](http://www.esil-sedi.eu/fichiers/en/PerezSolla_812.pdf)

دولت نیست. به عبارت دیگر، مرز میان عمل کاملاً خصوصی<sup>۷</sup> یک بازیگر غیردولتی و عمل یک بازیگر غیردولتی به عنوان عامل، بازو یا کارگزار<sup>۸</sup> دولت چیست؟ چنانچه این موضوع مشخص شود که در چه مواردی عمل یک موجودیت غیردولتی به دولت منتسب می‌شود، این موضوع نیز روشن خواهد شد که عمل منتسب به موجودیت غیردولتی کدام است و چه شرایطی دارد. «اصل اساسی و نقطه شروع حرکت در این زمینه آن است که در عرصه روابط حقوقی بین‌المللی، انتساب فعل یا ترک فعل به تابع حقوق بین‌الملل (در این جا با مسامحه جدایی‌طلبان) نمی‌تواند در چارچوبی جز حقوق بین‌الملل صورت پذیرد»<sup>۹</sup>.

در این ارتباط، معیارهای مختلفی برای انتساب عمل بازیگر غیردولتی به دولت مطرح شده‌اند، مانند دکترین کنترل مؤثر در آرای دیوان بین‌المللی دادگستری در قضایای نیکاراگوئه<sup>۱۰</sup>، نسل‌کشی<sup>۱۱</sup> و کنگو علیه اوگاندا<sup>۱۲</sup>، دکترین کنترل کلی در دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق در قضیه تادیچ<sup>۱۳</sup>، دکترین حمایت و پناه دادن به تروریست‌ها در قطعنامه‌های ۱۳۶۸ (۲۰۰۱) و ۱۷۰۳ (۲۰۰۶) شورای امنیت، دکترین ارتباط کافی<sup>۱۴</sup> در سازمان تجارت جهانی<sup>۱۵</sup> و سایر موارد مذکور در مواد ۴ تا ۱۱ طرح مسئولیت کمیسیون حقوق بین‌الملل برای مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها. این نوشتار بر آن نیست که به جزئیات معیارهای ذکر شده بپردازد و در این قسمت فقط به مسائلی که در ارتباط با موضوع بحث اهمیت دارد می‌پردازد.

نکته اول، تفاوت میان آستانه لازم برای انتساب اعمال بازیگران غیردولتی سازمان‌یافته و غیرسازمان‌یافته به دولت است. دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق در رأی تادیچ، میان افراد و گروه‌ها تفکیک

7. pure private

8. agent

9. Stark, J.G., "Imputability in International Delinquencies", *British Yearbook of International Law*, 1938, pp. 106-107.

به نقل از زمانی، قاسم، «جایگاه اصول و قواعد مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قضیه سکوه‌های نفتی»، مجموعه مقالات پیرامون رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه سکوه‌های نفتی، زیر نظر جمشید ممتاز، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۴، ص ۹۸-۹۷.

10. I.C.J. Rep., *Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua (Nicaragua v. United States of America)*, 1986.

11. I.C.J. Rep., *Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide (Croatia v. Serbia)*, 1999.

12. I.C.J. Rep., *Armed Activities on the Territory of the Congo (Democratic Republic of the Congo v. Uganda)*, 2005.

13. *The Prosecutor v. Duško Tadic*, Case No.: IT-94-1-T, Trial Chamber II, 14 July 1997.

14. sufficient involvement

15. Santiago M. Villalpando, "Attribution of Conduct to the State: How the Rules of State Responsibility may be Applied within the WTO Dispute Settlement System", *Journal of International Economic Law*, 2002, 5(2), pp.393-420.

قائل می‌شود می‌گوید:

«واضح است که یک گروه سازمان‌یافته با یک فرد متفاوت است. یک گروه به‌طور معمول از ساختار، پیوند، فرماندهی، اصول و نمادی از اقتدار بهره می‌برد. معمولاً یک عضو این گروه از جانب خود عمل نمی‌کند، بلکه مطابق با قواعد حاکم بر گروه و با فرمان فرمانده گروه عمل می‌کند. لذا برای انتساب اعمال این گروه به دولت کافی است که گروه در کلیت خود، تحت نظارت کلی<sup>۱۶</sup> آن دولت باشد»<sup>۱۷</sup>.

یعنی آنچه دیوان از کنترل کلی برای انتساب اقدامات بازیگران غیردولتی به دولت سخن به میان می‌آورد برای انتساب اقدامات یک گروه به دولت است، نه اقدامات یک فرد. از این دادگاه، هرچند برای انتساب اعمال بازیگران غیردولتی غیرسازمان‌یافته (افراد خصوصی) به دولت به احراز کنترل مؤثر نیاز داریم، اما برای انتساب اعمال بازیگران غیردولتی سازمان‌یافته (گروه) به دولت، احراز کنترل کلی کافی است.<sup>۱۸</sup>

کمیسیون حقوق بین‌الملل با نادیده گرفتن این تفاوت در طرح سال ۲۰۰۱ خود در ارتباط با مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در ماده ۸ بیان می‌دارد که دولت، مسئول اقدامات «فرد یا گروهی» از افراد است در صورتی که این فرد یا گروه حقیقتاً طبق دستور، هدایت و راهبری یا کنترل آن دولت عمل کرده باشد. هرچند منظور کمیسیون از عبارت دستور،<sup>۱۹</sup> هدایت<sup>۲۰</sup> و کنترل<sup>۲۱</sup> به‌خوبی معلوم نیست، اما برخی معتقدند که کمیسیون در این ماده به دکتترین مذکور در قضیه نیکاراگوئه (کنترل مؤثر) صحنه‌گذار است.<sup>۲۲</sup> کمیسیون برخلاف قضیه تادیج، تفکیکی میان فرد و گروه قائل نمی‌شود و با هر دو به صورت یکسان برخورد می‌کند.<sup>۲۳</sup>

16. overall control

17. The Prosecutor v. Duško Tadic, *op. cit.*, para 120.

۱۸. دیوان در سال ۲۰۰۷ در قضیه کنوانسیون نسل‌کشی، دعوای بوسنی هرزه‌گوین علیه صربستان، با تأیید رأی خویش در قضیه نیکاراگوئه صریحاً بیان داشت که دکتترین کنترل کلی که توسط دادگاه بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق در قضیه تادیج ابراز شده است، ممکن است برای تشخیص این که یک مخاصمه بین‌المللی است یا غیربین‌المللی، محلی از اعراب داشته باشد، اما برای مسئول دانستن صربستان چنین رابطه‌ای باید طبق معیار کنترل مؤثر احراز شود. بدین نحو، دیوان بر معیارهای نوین انتساب اعمال بازیگران غیردولتی سازمان‌یافته به دولت مهر پایان زد. ر.ک:

ICJ Reports., 2007, paras. 398-407.

19. instruction

20. direction

21. control

22. Kiran Mohan V., "Terrorism and Asymmetric Warfare: State Responsibility for the Acts of Non-State Entities Nicaragua, Tadic, And Beyond", *Journal of the Institute of Justice and International Studies*, 2008., No. 8., p.214.

۲۳. مواد ۵، ۷ و ۹ طرح مسئولیت دولت‌ها نیز در دیگر موارد انتساب عمل بازیگر غیردولتی به دولت (تفویض اختیار و اعمال اقتدار عمومی)، تفاوتی میان افراد غیرسازمان‌یافته (persons) و افراد سازمان‌یافته (group of persons) قائل نشده‌اند.

تعمیم نظام مسئولیت بین‌المللی به ... ❖ ۵۷

مسأله دیگر این که آیا با منتسب دانستن اقدام یک بازیگر غیردولتی به دولت، زیان‌دیده تنها امکان رجوع به دولت را دارد یا در صورت تمایل، می‌تواند به بازیگر غیردولتی هم رجوع کند؟ به عبارت دیگر، انتساب عمل بازیگر غیردولتی به دولت موجب انتقال مسئولیت به دولت می‌شود یا تنها مسئولیت تضامنی<sup>۲۴</sup> را موجب خواهد شد؟ ماهیت نظام حقوق بین‌الملل و عملکرد دولت‌ها نشان از رویکرد اول دارد؛ یعنی با اعلام انتساب عمل به دولت، گویی دولت مرتکب عمل متخلفانه شده و در چارچوب آن عمل، بازیگر غیردولتی، فاقد اراده مستقل بوده است. استفاده از عبارت کارگزار یا نماینده<sup>۲۵</sup> در تفاسیر طرح مسئولیت دولت‌ها نیز به همین دلیل است،<sup>۲۶</sup> چرا که نماینده، جانشین اصیل محسوب می‌شود و تمام اقداماتش به نام و حساب دیگری است.<sup>۲۷</sup> به علاوه، هدف حقوق مسئولیت بین‌المللی در وهله اول جبران خسارت است، در حالی که بازیگران غیردولتی به ندرت توانایی جبران خسارات وارد را دارند. البته در خصوص جنایات بین‌المللی، طرح مسئولیت موازی دولت و بازیگر غیردولتی محتمل است، چرا که واکنش دولت‌ها در سطح بین‌المللی علیه دولت متخلف و در سطح داخلی علیه جنایتکاران بین‌المللی، نشان از شکل‌گیری این رویه در خصوص جنایات بین‌المللی دارد. علت این امر، ماهیت دوگانه جنایات بین‌المللی است که به صورت همزمان و خودبه‌خود مسئولیت بین‌المللی کیفری و غیرکیفری را دامن می‌زند.<sup>۲۸</sup> باید توجه داشت احاله مسئولیت بازیگر غیردولتی به دولت به معنای عدم مسئولیت «کیفری» بازیگران غیردولتی به صورت جداگانه نیست و آنچه گفته شد درباره مسئولیت بین‌المللی غیرکیفری است.<sup>۲۹</sup>

۲۴. هرچند این دو اصطلاح مربوط به مسئولیت قراردادی است و مسئولیت بازیگران غیردولتی اصولاً مسئولیتی غیرقراردادی و قهری است؛ اما این اصطلاحات با مسامحه مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

## 25. agent

۲۶. به عنوان مثال، کمیسیون در مقدمه بخش دوم طرح مسئولیت دولت‌ها (انتساب عمل به دولت) بیان می‌دارد: قاعده اساسی این است که تنها اقدامات صورت گرفته در سطح بین‌المللی منتسب به ارگان‌های دولت یا منتسب به دیگر نهادهایی که تحت هدایت، آموزش یا کنترل آن ارگان‌ها به عنوان «نماینده» دولت عمل می‌کنند، قلمداد می‌شوند.

۲۷. با این حال در حقوق داخلی پذیرفته شده که اگر نمایندگی نماینده برای ثالث پنهان مانده باشد (undisclosed principal) طرف عمل یا واقعه حقوقی، نماینده است و نه اصیل، و مسئولیتش با نماینده است.

See Elizabeth A. Martin, *Dictionary of Law*, Oxford University Press, sixth edition, 2006, p. 23.

۲۸. طرح پیش‌نویس کمیسیون حقوق بین‌الملل در مورد مسئولیت دولت‌ها پس از احصای اصول و قواعد حقوق مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، در مواد پایانی طرح مقرر می‌دارد که این مواد به هرگونه مسأله مربوط به مسئولیت فردی شخص به موجب حقوق بین‌الملل که از طرف دولت عمل می‌کند خدشه‌ای وارد نمی‌سازد (ماده ۵۸). در همین راستا بند ۴ ماده ۲۵ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی تصریح می‌کند که هیچ‌یک از مقررات مربوط به مسئولیت کیفری افراد که در این اساسنامه آمده است تأثیری بر مسئولیت دولت‌ها براساس حقوق بین‌الملل نخواهد داشت. این دو ماده، تقارن مسئولیت بین‌المللی دولت و فرد را در قبال عملی واحد به تصویر کشیده‌اند؛ مسئولیتی که هرچند یکی اساساً جنبه مدنی و دیگری اساساً جنبه کیفری دارد، ولی به نوعی مکمل یکدیگرند.

۲۹. قاضی وین گارت در نظریه مخالف خود در قضیه قرار بازداشت در دیوان بین‌المللی دادگستری (کنگو علیه بلژیک) معتقد بود که ارتکاب جنایات بین‌المللی توسط مقامات دولتی، تنها جنبه خصوصی دارد و چنین شخصی صرفاً به ابتکار (از سوی) خود عمل کرده است و قابل انتساب به دولت نیست تا مسئولیت دولت مطرح باشد. در این خصوص رجوع کنید به:

نکته دیگر این که توجه مسئولیت به بازیگران غیردولتی، مانع از طرح مسئولیت دولت از کانال‌های دیگر نمی‌شود. به طور مثال در مواردی که دولت به «تضمین» حقوق بشر متعهد شده است، مسئولیت موازی دولت و بازیگر غیردولتی مطرح می‌شود.<sup>۳۰</sup> این تعهد در چارچوب اصل «تلاش معقول و احتیاط مقتضی»<sup>۳۱</sup> قابل طرح است که از آن به تعهد به مراقبت نیز یاد می‌شود. البته دولت‌ها می‌توانند برخلاف تمام اصول پیشگفته به زیان خود توافق کنند. صلح دولت مرکزی با شورشیان یا عفو شورشیان توسط دولت مرکزی با احراز برخی شرایط، نوعی توافق برای احاله مسئولیت بین‌المللی این بازیگران غیردولتی به دولت است که در ادامه توضیح داده خواهد شد. برای ورود به مبانی مسئولیت بین‌المللی جدایی‌طلبان لازم است ابتدا مبانی تعهدات اولیه جدایی‌طلبان به‌عنوان بازیگرانی غیردولتی تبیین شود.

## ۲. نقض تعهدات بین‌المللی توسط بازیگر غیردولتی

حقوق مسئولیت بین‌المللی شامل قواعد ثانوی است که به دنبال نقض قواعد اولیه پدیدار می‌شوند. لذا بدون اثبات تعهد اولیه برای یک بازیگر غیردولتی، صحبت از مسئولیت آن بازیگر، عبث خواهد بود. وقتی صحبت از حقوق بازیگران غیردولتی می‌شود سخن گفتن از تعهد این بازیگران غیردولتی نیز منطقی است.<sup>۳۲</sup> این نوشتار قصد ندارد به کلیه مبانی و استدلال‌ات طرح شده در ارتباط با تعهد بازیگران غیردولتی به حقوق بین‌الملل بپردازد، اما به بخش‌هایی از حقوق موضوعه و مبانی حقوقی برای اثبات این امر اشاره خواهد شد.

---

ICJ Rep., Congo v. Belgium, 2002, Dissenting Opinion by Judge Van Den Wyngaert, Para 36.

در مقابل حقوقدانان دیگر از جمله آنتونیو کاسسه بر این اعتقادند که مقامات رسمی می‌توانند در سمت خود مرتکب جنایات بین‌المللی شده و از این طریق موجب طرح مسئولیت بین‌المللی دولت هم بشوند. ر.ک:

Marina Spinedi, "State Responsibility v. Individual Responsibility for International Crimes: Tertium Non Datur?", *European Journal of International Law*, Vol. 13, No. 4, 2002, pp. 895-899.

دیوان بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق در قضیه تادیچ بیان داشت که با احراز انتساب عمل فرد خصوصی به دولت، تنها در صورتی می‌توان مسئولیت کیفری فرد را به طور موازی مطرح کرد که آن عمل، نقض فاحش حقوق بین‌الملل باشد. ر.ک:

The Prosecutor v. Duško Tadic, *op. cit.*, Para. 103.

۳۰. مثلاً میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و کنوانسیون‌های آمریکایی و آفریقایی حقوق بشر با عبارت ensure, کنوانسیون اروپایی حقوق بشر با عبارت secure و کنوانسیون‌های حقوق زنان و کودکان با عبارت take all appropriate measures به این تعهد اشاره کرده‌اند.

31. due diligence

32. Nicolas Carrillo Santarelli, "Non-State Actors' Human Rights Obligations and Responsibility Under International Law", *Revista Electrónica De Estudios Internacionales*, No. 15, 2008, available at [www.reei.org](http://www.reei.org). last visited May 2011.

## الف) حقوق بین الملل بشر

شاید در نگاه اول تصور شود که مسئولیت بین المللی ناشی از نقض حقوق بشر فقط ناظر بر دولت‌ها است. این تصور از این واقعیت نشأت می‌گیرد که حقوق بشر اصولاً صحنه کارزار فرد و دولت، آزادی و حاکمیت، دموکراسی و خودکامگی، حاکمیت قانون و غلبه خشونت، و برابری و تبعیض به شمار می‌رود. تلقی حق‌های مدنی و سیاسی به‌عنوان نسل اول حقوق بشر، و چالش میان آن‌ها و حاکمیت دولت در تقویت این طرز فکر مؤثر بوده‌اند. با وجود این، به عقیده پروفیسور «استفانی فاریور»، این تصور مضحک است که حقوق بشر را صرفاً در دایره محدود روابط میان فرد و دولت محصور کنیم، دایره‌ای که فرد همیشه ذیحق و دولت صرفاً مکلف و متعهد آن قلمداد شود. اولین جنبشی که برای حقوق بشر به راه افتاد ممنوعیت برده‌داری بود که عمده‌تاً توسط بازیگران غیردولتی صورت گرفت.<sup>۳۳</sup> بند ۱ ماده مشترک ۵ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به تعهد مستقیم افراد اشاره می‌کند.<sup>۳۴</sup> همچنین برخی اسناد حقوق بشری، مانند کنوانسیون سرکوب و مجازات تبعیض نژادی مصوب ۱۹۷۳،<sup>۳۵</sup> کنوانسیون مبارزه با نسل‌کشی مصوب ۱۹۴۸<sup>۳۶</sup> و اساسنامه دیوان کیفری بین المللی به مسئولیت کیفری افراد اشاره کرده‌اند. شورای امنیت نیز در قطعنامه‌های مربوط به افغانستان، گینه بیسائو و لیبیا به لزوم احترام طرفین مختصمه، از جمله گروه غیردولتی نظامی به قواعد حقوق بشر و حقوق بشردوستانه اشاره دارد.<sup>۳۷</sup>

کریستین تاموشات با اشاره به قطعنامه‌های شورای امنیت در مورد یوگسلاوی سابق، افغانستان، سودان، سیرالئون، ساحل عاج، کنگو، آنگولا، لیبیا و سومالی اظهار می‌دارد: «زمانی که شورای امنیت به التزام طرف‌های درگیر به رعایت قواعد حقوق بشر اشاره می‌کند، تعهد جدیدی بر آن‌ها تحمیل نمی‌کند. این تعهد، منبعث از حقوق بین الملل بشر است و فارغ از تصمیم شورای امنیت، الزام‌آور است».<sup>۳۸</sup> هیأت گزارشگر ویژه

**33.** Stephanie Farior, "State Responsibility in a Multiactor World, State Responsibility For Human Rights Abuses by Non-State Actors", *American Society of International Law Proceedings*, No. 92, 1998, p. 301.

**34.** بند ۱ ماده ۵ این دو میثاق بیان می‌دارد: هیچ چیز در این میثاق به گونه‌ای تفسیر نخواهد شد که متضمن حقی برای دولت، گروه یا فرد باشد که طبق آن بتواند اقدامی صورت دهد که حقوق و آزادی‌های شناخته شده در این میثاق را نادیده بگیرد یا محدودتر از آنچه در این میثاق در نظر گرفته شده تفسیر کند.

**35.** International Covenant on the Elimination of all forms of Racial Discrimination 660 UNTS (entered into force 4/01/1969), Art 2.

**36.** Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide (Genocide Convention) 78 UNTS 277 (entered into force 12/01/1951)/ Articles 4 and 5.

**37.** Security Council Resolution 1471 (2003), 1216 (1998), 1509 (2003).

**38.** Christian Tomuschat, "The Applicability of Human Rights Law to Insurgent Movements", in Horst Fischer, Ulrika Froissart, Wolff Heintschel von Heinegg, and Christian Raap (eds.), *Krisensicherung und Humanitärer Schutz, Crisis Management and Humanitarian Protection: Festschrift für Dieter Fleck*, Berliner Wissenschafts-Verlag, Berlin, 2004, p.586.



اسرائیل و لبنان در سال ۲۰۰۶ نیز بیان داشته که حزب الله در مواردی که عملاً عناصری از اقتدارات حاکمه را اعمال می‌کند به حقوق بشر ملتزم است و همچون دولت، مسئولیت بین‌المللی دارد.<sup>۳۹</sup> کارگروه شورای حقوق بشر در مورد استفاده از مزدوران در سال ۲۰۰۶ می‌گوید شرکت‌های خصوصی نظامی باید به پیش‌نویس قواعد حقوق بشری شرکت‌های فراملی و دیگر شرکت‌های تجاری مقید باشند.<sup>۴۰</sup> این کارگروه با ایجاد یک ساز و کار نظارتی و شکایتی در ارتباط با مزدوران موافقت کرد.<sup>۴۱</sup>

در هر صورت، تعهد بین‌المللی بازیگران غیردولتی به حقوق بشر مورد پذیرش رویه قضایی قرار گرفته است. دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق در سال ۲۰۰۲ بیان کرد که مسئولیت افراد خصوصی به خاطر شکنجه بدون دستور دولتی [نیز] مغایر کنوانسیون منع شکنجه است و در حقوق بین‌الملل عرفی، قابل تعقیب و مجازات است.<sup>۴۲</sup> این رویه در آرای دادگاه‌های داخلی نیز تأیید شده است.<sup>۴۳</sup>

### ب) حقوق بین‌الملل بشردوستانه

کمیته بین‌المللی صلیب سرخ معتقد است که تعهد یک دولت، تمام آحاد مملکت را که دولت نمایندگی آن‌ها را به عهده دارد ملزم می‌کند. ایراد اساسی به این نظر این است که قدرت دولت به التزام شهروندان ناشی از کنترل مؤثر بر آنان است، در حالی که جنگ داخلی، مصداق فورس ماژور و از موارد سلب مسئولیت بین‌المللی است. تعهد دولت، تعهد گروه خارج شده از سلطه و کنترلش را به دنبال ندارد. همچنین صلیب سرخ بیان می‌دارد که هیچ کشور یا گروهی نمی‌تواند ادعا کند که برای مغلوب کردن دشمنانش - چه ملی و چه بین‌المللی - حق دارد رفتاری غیرانسانی در پیش گیرد. به همین دلیل ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ۱۹۴۹ ژنو از «استاندارد حداقلی»<sup>۴۴</sup> یاد می‌کند. شورشیانی که اعمال حاکمیت مؤثر می‌کنند به این دلیل ساده که نماینده کشورشان محسوب می‌شوند، مشمول قواعد حقوق بشردوستانه هستند و صرفاً از تعهدات ماده ۱۴۲ کنوانسیون‌های ژنو و ماده ۲۵ پروتکل دوم (۱۹۷۷) در خصوص اعلام فسخ این اسناد مبرا هستند.

۳۹. برای مشاهده نظر گزارشگر ویژه ملل متحد برای اعدام‌های خودسرانه در ارتباط با شمول تعهدات حقوق بشری بر افراد، رجوع کنید به: Adam McBeth, "Every Organ of Society: The Responsibility of Non-State Actors for the Realization of Human Rights", *Hamline Journal of Public Law and Policy*, No. 33, 2008, p. 30.

۴۰. Human Rights Principles and Responsibilities for Transnational Corporations and Other Business Enterprises, U.N. Doc. E/CN.4/Sub.2/2002/XX, E/CN.4/Sub.2/2002/WG.2/WP.1 (February 2002 for discussion in July/August 2002).

۴۱. UN Doc. E/CN.4/2006/11/Add.1, para. 28.

۴۲. Prosecutor v. Kunarac, Kovac and Vukovic, ICTY Rep., 2002, para. 148.

۴۳. Andrew Clapham, "Human rights obligations of non-state actors in conflict situations", *International Review of Red Cross*, Vol. 88, No. 863, 2006, pp. 514-515.

۴۴. minimum standard

رویه بین‌المللی نسبت به ارائه این مبنای حقوقی، طریق دیگری در پیش گرفته است. پس از سلسله دادگاه‌هایی که بعد از جنگ جهانی دوم تشکیل شدند این مسأله که مفاد ماده ۳ مشترک به افراد و گروه‌های موجود در کشور قابل اعمال است مورد تردید قرار نگرفته است.<sup>۴۵</sup> این اتفاق به دو دلیل بوده است: یکی تأسی به تفسیر غایت‌گرایانه<sup>۴۶</sup> که طبق آن باید گفت از اهداف مشخص کنوانسیون‌های ژنو این است که در تفسیر موادش، موارد مبهم باید به نفع توسعه قلمرو اجرای کنوانسیون تفسیر شود و دیگر این که شورای امنیت جهت درنوردیدن مرز میان نیروهای درگیر در مخاصمه و فراگیرساختن تعهدات ناشی از حقوق بشردوستانه و حرکت به سوی اصل برابری نیروهای متخاصم در قبال آن قواعد در قطعنامه ۱۲۴۴ تصریح می‌کند که اصول کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو باید توسط تمام نیروهای دولتی و غیردولتی درگیر در مخاصمات مسلحانه رعایت شود.<sup>۴۷</sup> استفاده شورای امنیت از واژه «اصل» در قطعنامه ۱۲۴۴، تدبیری زیرکانه در تعمیم تعهدات حقوق بشردوستانه به بازیگران غیردولتی بوده است. عضویت قریب به اتفاق دولت‌ها در کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو، شورای امنیت را از استناد به واژه «اصل» برای اثبات التزام دولت‌ها به تعهدات مذکور در آن اسناد بی‌نیاز می‌سازد، اما وصف بین‌الدولی آن اسناد، شورای امنیت را به استفاده از واژه‌ای چون «اصل» جهت تعمیم و فراگیر ساختن بخشی اساسی از مفاد آن اسناد، مجاب ساخته است.

### ۳. درآمدی بر حقوق مسئولیت بین‌المللی بازیگران غیردولتی

این تصور خطا است که مسئولیت بین‌المللی بازیگران غیردولتی، معادل امکان تعقیب آن‌ها در تمام مراجع بین‌المللی است.<sup>۴۸</sup> اصولاً بازیگران غیردولتی در دادگاه‌های ملی قابل تعقیب هستند، جز در مواردی که دولت‌ها برخلاف آن توافق کرده باشند.<sup>۴۹</sup> مثلاً طبق کنوانسیون ۱۹۶۵ واشنگتن در مورد حل و فصل اختلافات ناشی از سرمایه‌گذاری میان دولت‌ها و اتباع سایر دول (ایکسید)، دولت‌ها می‌توانند علیه

---

45. Laura Lopez, "Civil Wars: The Challenge of Applying International Humanitarian Law to Internal Armed Conflicts", *New York University Law Review*, No. 69, 1994, p. 930.

46. teleological interpretation

47. بازیگران غیردولتی را می‌توان به قواعد دیگری نظیر حقوق بیگانگان، حقوق بین‌الملل محیط زیست و حقوق بین‌الملل کیفری نیز ملزم دانست.

48. این استدلال مطرح شده که در حقوق بین‌الملل، داشتن حقوق بدون امکان مطالبه و جبران نقض آن و همچنین داشتن تعهد بدون داشتن مسئولیت امکان‌پذیر است. علت این امر، تفاوت میان عرصه‌های اجرای حقوق بین‌الملل و عرصه‌های اجرای حقوق بین‌الملل است. See Nicolas Carrillo Santarelli, *op. cit.*

49. این موضوع مطرح شده که بازیگران غیردولتی ممکن است با توجه به متفاوت بودن قوانین ملی نسبت به حقوق بشر دست به shopping بزنند و حقوق اتباع کشورهای را نقض کنند که در آن جا احتمال محکومیت کم‌تری دارند و یا از مصونیت بیش‌تری برخوردارند. See: Philip Alston, *Non-State Actors and Human Rights*, Oxford University Press, 2002, p. 54.

در این راستا شورشیان می‌توانند با استقرار در کشورهای ثالثی که آن‌ها را به رسمیت شناخته‌اند از مصونیت نظامی و احتمالاً دولتی استفاده کنند.

سرمایه‌گذاران خارجی طرح دعوا کنند (البته صرفاً در قالب دعوای متقابل) و یا در ارتباط با نام دامنه‌های اینترنتی، دولت‌ها نیز می‌توانند علیه افراد در داوری<sup>۵۰</sup> زیر نظر شرکت نام‌ها و دامنه‌های ثبت‌شده<sup>۵۱</sup> اقامه دعوا کنند.<sup>۵۲</sup>

دولت‌ها همیشه سعی داشته‌اند اقدامات بازیگران غیردولتی را به یک دولت منتسب سازند تا جبران خسارت را تسهیل کنند، اما در مواردی که چنین فرصتی فراهم نباشد موضوع مسئولیت بازیگران غیردولتی مطرح می‌شود. اصل استقلال و انفکاک مسئولیت بازیگران غیردولتی از دولت در رویه قضایی، اولین بار در قضیه تلینی در سال ۱۹۲۳ مطرح شد. شورای جامعه ملل سؤالات مربوط به واقعه پیش‌آمده بین یونان و ایتالیا را به کمیته ویژه حقوقدانان ارجاع داد. یکی از مسائل مطروح، ترور رئیس و چند تن از اعضای کمیسیون بین‌المللی مسئول تعیین مرزی یونان و آلبانی بود. در پاسخ به سؤال پنجم، کمیته اظهار می‌دارد: «در صورت وقوع جرم سیاسی علیه اشخاص خارجی در قلمروی یک دولت، تنها در صورتی می‌توان دولت را مسئول دانست که آن دولت در اتخاذ تمامی تدابیر معقول و مقتضی برای پیشگیری از جرم، تعقیب، دستگیری و محاکمه مرتکبان، قصور کرده باشد».<sup>۵۳</sup>

به عبارت دیگر در صورت فقدان این شروط، دولت زیان‌دیده باید به دنبال تعقیب شخص خصوصی باشد. قواعد حاکم بر هریک از بازیگران غیردولتی متفاوت است و نمی‌توان برای همه آن‌ها حکم واحدی داد.<sup>۵۴</sup> به‌عنوان یک اصل کلی، رفتار اشخاص یا نهادهای خصوصی به موجب حقوق بین‌الملل به دولت قابل انتساب نیست،<sup>۵۵</sup> اما قواعد مربوط به انتساب بازیگران غیردولتی مختلف به دولت نیز با یکدیگر متفاوت است.<sup>۵۶</sup> با توجه به متفاوت بودن حقوق مسئولیت بین‌المللی هریک از بازیگران غیردولتی، موضوع این

---

50. The Uniform Domain-Name Dispute-Resolution Policy (UDRP)

51. Internet Corporation for Assigned Names and Numbers (ICANN)

52. Lipton. Jacqueline D., "Who Owns 'Hillary.Com'? Political Speech and the First Amendment in Cyberspace", *Political Speech in Cyberspace*, Case Legal Studies Research Paper, No. 07-16, 2008.

53. League of Nations, Official Journal, fifth year, No. 4, 1924, quoted from ILC Commentaries on The Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, 2001.

54. برای ملاحظه طرح مسئولیت علیه سرمایه‌گذار خارجی رجوع کنید به:

Michael D. Ramsey, "International Law Limits on Investor Liability in Human Rights Litigation", *Harvard International Law Journal*, Vol. 50, No. 2, 2009, pp. 271-321.

55. بند اول تفسیر ماده ۸ طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها مصوب کمیسیون حقوق بین‌الملل، مصوب ۲۰۰۱.

56. به طور مثال، وضعیت قواعد حاکم بر انتساب اعمال شرکت‌های امنیتی خصوصی و شرکت‌های تجاری به دولت متفاوت است. در حالی که شرکت امنیتی خصوصی، نهادی است که عناصری از اقتدار عمومی دولت را اعمال می‌کند (ماده ۵ طرح مسئولیت دولت‌ها) شرکت تجاری به صورت مستقل عمل می‌کند. حقوق بین‌الملل، جدایی شخصیت واحدهای شرکت تجاری از دولت را پذیرفته است، مگر در مواردی که پوشش شرکتی (corporate veil) صرفاً وسیله یا ابزاری برای تقلب یا فرار از مسئولیت باشد (بند ۶ تفسیر ماده ۸ طرح مسئولیت دولت‌ها). همچنین کشورها تلاش می‌کنند حقوق مسئولیت بین‌المللی بازیگران غیردولتی را در قوانین داخلی خود تبیین کنند. به طور مثال،

تعمیم نظام مسئولیت بین‌المللی به ... ❖ ۶۳

تحقیق به مسئولیت بین‌المللی جدایی‌طلبان محدود شده است.

#### ۴. نظام حقوقی مسئولیت بین‌المللی جدایی‌طلبان

از مفهوم «مسئولیت بین‌المللی جدایی‌طلبان» دو برداشت می‌توان ارائه کرد. اول این که چون مسئولیت جدایی‌طلبان توسط یک بازیگر دولتی مطرح می‌شود، اطلاق «بین‌المللی» به این مسئولیت صحیح است (به اعتبار دولت بودن یک طرف ادعا). دوم این که خود جدایی‌طلبان در شرایطی واجد «شخصیت حقوقی بین‌المللی» قلمداد می‌شوند و طرح دعوا علیه آن‌ها چه از سوی بازیگران دولتی و چه از سوی بازیگران غیردولتی به بین‌المللی بودن این مسئولیت لطمه وارد نمی‌آورد. لذا در این دو فرض، دعوای مطرح شده، دعوای بین‌المللی خواهد بود.

پیش از پرداختن به مسئولیت بین‌المللی جدایی‌طلبان ذکر چند نکته لازم است: اولاً نامشروع بودن جدایی، نافی مسئولیت بین‌المللی کشور جدیدالتأسیس نخواهد بود. این نظر در قضیه نامیبیا نیز تأیید شد که کنترل فیزیکی بر یک سرزمین، حتی بدون مشروعیت مالکیت، مبنای مسئولیت دولت بابت اعمالی است که بر دیگر دولت‌ها تأثیر می‌گذارد.<sup>۵۷</sup> به عبارت دیگر، عنصر لازم برای طرح مسئولیت علیه دولت، کنترل مؤثر به معنای عینی آن است، نه به معنای ذهنی و شخصی آن.

ثانیاً ماده ۱۰ طرح مسئولیت، با تفکیک میان شورشیان انقلابی و شورشیان جدایی‌طلب، حقوق مسئولیت بین‌المللی این دو گروه را جدا کرده، در حالی که در بند ۱ ماده ۱۰ مربوط به انقلابیون، به عبارت «جنبش شورشی»<sup>۵۸</sup> بسنده می‌کند در بند ۲ این ماده در کنار این عبارت به واژه «دیگر جنبش‌ها»<sup>۵۹</sup> نیز اشاره می‌کند. منظور از جنبش شورشی، گروه‌های غیردولتی سازمان‌یافته هستند که شرایط مذکور در پروتکل دوم الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو را به دست آورده باشند؛ یعنی کنترل بر بخشی از سرزمین، سازماندهی، فرماندهی و قابلیت اجرای قواعد پروتکل. از نظر این طرح، چنانچه گروه غیردولتی این شرایط را به طور کامل نداشته باشد پس از تغییر حکومت، مسئولیتی نخواهد داشت؛ در حالی که اگر چنین گروهی موفق به جدایی شود، مسئولیت بین‌المللی آن مطرح خواهد بود. به عبارت دیگر، این ماده جنبش‌های شورشی

---

کشور عراق به علت ریسک‌پذیر بودن اقدامات شرکت‌های نظامی، از آن‌ها ۲۵۰۰۰ دلار وثیقه دریافت می‌کند تا از محل آن بتواند به‌راحتی جبران خسارت کند. افریقای جنوبی اقدام به کمک بشردوستانه را منوط به رعایت حقوق بشر کرده و در صورت نقض، امکان طرح دعوای کیفری علیه شخصیت حقوقی این نیروها را امکان‌پذیر دانسته است. در این خصوص رجوع کنید به:

Benjamin Perrin, "Promoting compliance of private security and military companies with international humanitarian law", *International Review of Red Cross*, Volume 88, Number 863, 2006, p. 621.

57. ICJ Rep., The Case Concerning South Africa in Namibia, Advisory Opinion, 1971, p. 54.

58. insurrectional movement

59. other movements

«انقلابی» را در صورتی پس از تشکیل دولت<sup>۶۰</sup> حائز مسئولیت قلمداد می‌کند که در حین درگیری شرایط ذکر شده را دارا بوده باشند؛ اما جنبش‌های شورشی «جدایی‌طلب» را چه حائز این شرایط باشند و چه نباشند، پس از تشکیل دولت<sup>۶۱</sup> مسئول اقداماتشان تلقی می‌کند.

ثالثاً مسئولیت جدایی‌طلبان موفق، مبتنی بر اصل تداوم دولت<sup>۶۲</sup> است. طبق این اصل، کشور جدیدالتأسیس نماینده مردمی که برای تشکیل آن تلاش کرده‌اند نیز محسوب می‌شود و گویی این دولت از لحظه شکل‌گیری گروه شورشی جدایی‌طلب وجود داشته است.<sup>۶۳</sup> علیرغم وجود این اصل، نمی‌توان شورشیان جدایی‌طلب را در تمام دوران مخاصمه تا پیروزی، به تکالیف حقوقی دولت‌ها ملتزم دانست، بلکه تا پیش از پیروزی فقط متعهد به تعهدات حقوقی مربوط به شورشیان بوده‌اند. بنابراین، به طور مثال، چنانچه جدایی‌طلبان پس از تشکیل کشور طبق قواعد جانشینی به یکی از معاهدات دولت پیشین ملحق شوند، نقض قبلی چنین معاهده‌ای توسط شورشیان را نمی‌توان موجب مسئولیت بین‌المللی دولت جدید دانست. جدایی‌طلبان در دو قالب فعالیت می‌کنند: یکی در قالب گروه (سازمان‌یافته) و دیگری به‌عنوان افراد خصوصی (غیرسازمان‌یافته). مسئولیت بین‌المللی هرکدام از این دو دسته باید به طور مستقل بررسی شود.

### الف) گروه جدایی‌طلب

شورشیان زمانی در قالب یک گروه تلقی می‌شوند که واجد شخصیت حقوقی باشند که شرایط آن در پروتکل دوم الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو ذکر شده است،<sup>۶۴</sup> چرا که کسب این شرایط موجب شکل‌گیری شخصیت حقوقی بین‌المللی برای این شورشیان می‌شود که توانایی اجرای حقوق بین‌الملل را دارند و در نتیجه، حقوق مسئولیت بین‌المللی برای آن‌ها قابل تحقق می‌شود. دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه نامیبیا بیان داشت که داشتن کنترل مؤثر و عملی بر بخشی از یک سرزمین، شرط لازم برای طرح مسئولیت یک موجودیت است و قانونی بودن چنین کنترلی، شرط لازم برای طرح مسئولیت آن‌ها نیست.<sup>۶۵</sup> داشتن کنترل بر بخشی از

60. government

61. state

62. continuity of state

۶۳. این اصل منبث از دو اصل دیگر است؛ یکی اصل *states in statu nascendi* (دولت در حال شکوفایی) و دیگری اصل *derived responsibility* (مسئولیت نیابتی). مورد اول از استثناهای اصل عطف به ماسبق نشدن مسئولیت و مورد دوم از استثناهای اصل شخصی بودن مسئولیت است. این اصل در قضیه *Bolivar Railway Company* این‌گونه بیان شد: دولت مسئول تعهدات یک انقلاب موفق از آغاز آن است؛ زیرا در تئوری، دولت از ابتدا نماینده اراده ملی در حال تغییر است که نهایتاً در تشکیل دولت جدید متبلور می‌شود.

See R.I.A.A. Vol. IX, p. 445, (1903) at p. 453.

۶۴. این شرایط عبارتند از: تحت کنترل داشتن بخشی از سرزمین، داشتن علامت مشخص، تحت فرماندهی سازمان یافته بودن و قادر به رعایت کنوانسیون بودن.

65. ICJ Reports, *op. cit.*

سرزمین، یکی از شروط مذکور در پروتکل دوم الحاقی است که از نظر دیوان، وجود آن برای طرح مسئولیت کفایت می‌کند.

طرح مسئولیت علیه فرمانده نظامی یا غیرنظامی یک گروه در صورتی امکان‌پذیر است که گروه مزبور در مفهوم شورشی به معنای اخص خود باشد. احراز شرایط مذکور در پروتکل دوم الحاقی برای کسب شخصیت حقوقی توسط جدایی‌طلبان امری ضروری است تا بتوان از این طریق مسئولیت بین‌المللی آن‌ها را مطرح کرد. به همین دلیل، ماده ۱ این پروتکل، امکان تقبل و اجرای حقوق بین‌الملل توسط شورشیان را شرط لازم برای اعمال این پروتکل دانسته است. این نظر در مورد شرکت‌های فراملی نیز تأیید شده که طرح مسئولیت مستقیم علیه آن‌ها منوط به احراز شخصیت حقوقی بین‌المللی آن‌ها است.<sup>۶۶</sup> با این حال، بند ۲ ماده ۱۰ طرح مسئولیت دولت‌ها، کسب این شرایط را برای جدایی‌طلبان لازم نمرده است؛ برخلاف انقلابیون که باید شورشی در معنای اخص خود باشند. دلیل این تمایز توسط کمیسیون مشخص نیست و شاید این بوده که مسئولیت جدایی‌طلبان نسبت به انقلابیون وسیع‌تر قلمداد شود. این رویکرد برخلاف منطق حقوقی پیشگفته است که طبق آن، طرح مسئولیت فقط برای موجودیت‌های واجد شخصیت حقوقی قابل تصور است که حقوق بین‌الملل موجود، شورشیان را حداقل با احراز یک شرط (کنترل مؤثر)، واجد شخصیت حقوقی بین‌المللی می‌داند.<sup>۶۷</sup> در این رابطه، مسئولیت جدایی‌طلبانی که موفق به تشکیل کشور جدید می‌شوند با جدایی‌طلبانی که موفق به تشکیل کشور نمی‌شوند متفاوت است.

### اول) جدایی‌طلبان موفق به تشکیل دولت

چنانچه جدایی‌طلبان موفق به تشکیل دولت شوند مشمول حقوق مسئولیت بین‌المللی ناظر بر دولت‌ها خواهند بود؛ با این تفاوت که مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در حالت معمولی عطف به ماسبق نمی‌شود، در حالی که مسئولیت کشور جدا شده عطف به زمانی می‌شود که شورش آغاز شده است.<sup>۶۸</sup> جدایی‌طلبان در برابر دولت مرکزی ممکن است به علت توسل به زور نامشروع یا نقض حقوق بشر و بشردوستانه، مسئول قلمداد شوند. شاید بتوان استدلال کرد در جدایی‌های مشروع به استناد اصل اقدام (ماده

---

66. Tsafack Jean. B, *In Search For Direct Corporate Responsibility For Human Rights Violations In Africa: Which Way Forward?*, A Dissertation Submitted To The Centre For Human Rights, Faculty of Law, University Of Pretoria, South Africa, In Partial Fulfilment of The Requirements of The Degree of LLM (Human Rights And Democratisation In Africa), 2004, p. 16, available at <http://hdl.handle.net/2263/1082>

67. در حالی که با شورشیان انقلابی غیرسازمان‌یافته مواجه باشیم، معلوم نیست چه راهکاری برای جبران خسارت زیان‌دیدگان مبارزات شورشیان وجود دارد.

68. اصل عطف به ماسبق نشدن مسئولیت بین‌المللی در حقوق بین‌الملل، سه استثنا دارد که عبارتند از: اقدامات متخلفانه مستمر، اعلام صریح دولت به پذیرش اقدامات قبلی، و تشکیل دولت توسط جدایی‌طلبان.

۳۹ طرح مسئولیت دولت‌ها)، مسئولیت جدایی‌طلبان در موارد نقض حقوق بین‌الملل کم‌تر است و دولت مرکزی به لحاظ نامشروع بودن و فراهم نیابردن بستر لازم برای اعمال حق تعیین سرنوشت مردم، مستحق پذیرش خسارات ناشی از اقدامات جدایی‌طلبان است. توضیح آن که حقوق بین‌الملل موضوعه در سه نوع حکومت، برای مردم قربانی، حق جدایی را به رسمیت می‌شناسد: استعمارگر، اشغالگر و نژادپرست.<sup>۶۹</sup> در این موارد نه تنها دولت‌های مرکزی حق سرکوب ندارند، بلکه باید شرایط بازگشت حکومت به دست جدایی‌طلبان را فراهم کنند. چگونه می‌توان این حکومت‌ها را نامشروع دانست و در عین حال، اقداماتی را که شورشیان (نهیض‌های آزادیبخش) برای تغییر حکومت یا جدایی انجام می‌دهند نیز نامشروع محسوب کرد؟ هرچند در طرح مسئولیت دولت‌ها، مشارکت دولت زیان‌دیده در یک عمل متخلفانه از معاذیر رافع مسئولیت بین‌المللی تلقی نشده و تنها در مرحله جبران خسارت تأثیرگذار دانسته شده، اما می‌توان گفت دولت مدنظر این ماده، دولت مشروع است و گرنه ستاندن حق از دولت نامشروع نباید فقط موجب کاهش مسئولیت در جبران خسارت باشد، بلکه باید در رفع اصل مسئولیت بین‌المللی نیز تأثیرگذار باشد.

بحث‌برانگیزترین بخش مسئولیت بین‌المللی جدایی‌طلبان زمانی است که جدایی‌طلبان، حق بر جدایی نداشته باشند. در چنین حالتی، مسئولیت بین‌المللی جدایی‌طلبان بابت اعمال متخلفانه بین‌المللی در برابر دولت مرکزی و ثالث قطعی است،<sup>۷۰</sup> اما این که جدایی‌طلبان متقبل مسئولیت بین‌المللی دولت مرکزی در برابر ثالث نیز می‌شوند یا خیر، محل تأمل است. شاید تصور شود که چون اقدام جدایی‌طلبان در دوران مخاصمه در حکم فورس ماژور بوده (بند ۳ تفسیر ماده ۲۳ طرح مسئولیت دولت‌ها) و دولت مرکزی نیز حق سرکوب آن‌ها را داشته است، مسئولیت نهایی متوجه دولت جدید خواهد بود. در حالی که طرح مسئولیت دولت‌ها، فورس ماژور را رافع وصف متخلفانه بین‌المللی اعلام می‌کند، بدون آن که جانشینی برای مسئولیت بین‌المللی معرفی کند، برخلاف اجبار که دولت مجبورکننده جانشین دولت مجبور شده برای طرح مسئولیت می‌شود (ماده ۱۸ طرح مسئولیت دولت‌ها).

با این حال در مواردی که دولت مرکزی حق سرکوب دارد وصف متخلفانه بین‌المللی اقدامات دولت مرکزی زایل می‌شود و مسئولیت بین‌المللی بر دوش دولت جدید بار می‌شود. توضیح آن که هرچند طرح مسئولیت دولت‌ها، شورش را به عنوان مصداق فورس ماژور معرفی می‌کند، اما منطق حکم می‌کند پس از

---

۶۹. نامشروع بودن این حکومت‌ها در قطعنامه‌های مختلف سازمان ملل متحد و آرای دیوان بین‌المللی دادگستری ذکر شده است. ر.ک: International Law Commission's Comments on Article 53 of Vienna Convention on Treaty law, I.C.J. Rep. 1995, The Case Concerning East Timor, I.C.J. Rep. 1971, The Case Concerning South Africa in Namibia, Advisory Opinion, I.C.J. Rep. 1975, The Case Concerning West Sahara, Advisory Opinion, General Assembly Res. 2625, 1970, Res. General Assembly Res. 1514, 1960.

۷۰. در قضیه درجینگ (Dredging. Co) در سال ۱۹۱۴ به نیروهای مبارز شورشی مکزیک علیه امریکا مأموریتی داده شد که انجام نشد. پس از استقلال مکزیک، کمیسیون داوری، مسئولیت خسارات ناشی از مأموریت ناتمام را به دولت مکزیک منتسب کرد.

تشکیل کشور توسط شورشیان جدایی طلب، مفهوم «فورس ماژور» را به مفهوم «اجبار» قلب کنیم. یعنی اقدام شورشیان تا پیش از موفقیت، حکم فورس ماژور را خواهد داشت، اما پس از موفقیت به تشکیل کشور، حکم اجبار می‌یابد. دلیل این امر آن است که ماهیت دو عذر فورس ماژور و اجبار یکسان است؛ با این تفاوت که در اولی با موجودیتی طبیعی و غیردولتی و در دومی با موجودیتی زنده و دولتی سرو کار داریم. بنابراین با موفقیت جدایی طلبان و به حکم اصل تداوم دولت، مسئولیت دولت مرکزی با استناد به اجبار بر دوش دولت جدید بار خواهد شد. لذا «معقول نیست که دولتی مسئول اعمال دشمنان خود قلمداد شود».<sup>۷۱</sup>

این اصل (تحمیل مسئولیت دولت مرکزی بر دولت جدید) سه استثنا دارد: اول این که نقض‌های صورت گرفته از سوی دولت مرکزی در چارچوب ضرورت نظامی نبوده باشد؛<sup>۷۲</sup> دوم این که دولت مرکزی، جدایی طلبان را مورد عفو خود قرار دهد یا با آن‌ها صلح کند به نحوی که از این امر، تأیید صریح یا ضمنی اقدامات متخلفانه جدایی طلبان مستفاد شود (ماده ۱۱ طرح مسئولیت دولت‌ها)؛<sup>۷۳</sup> سوم این که دولت مرکزی به وظیفه خود نسبت به تلاش معقول برای جلوگیری، عمل نکرده باشد (بند ۳ ماده ۱۴ طرح مسئولیت دولت‌ها).

در مواردی که با جدایی مشروع روبه‌رو هستیم، اعمال متخلفانه دولت مرکزی نسبت به ثالث، به خود آن دولت منتسب خواهد بود، نه دولت جدید؛ چرا که در این حالت، دولت مرکزی نمی‌تواند به فورس ماژور استناد کند. بند ۲ ماده ۲۳ طرح مسئولیت دولت‌ها مقرر می‌کند چنانچه وضعیت فورس ماژور، ناشی از عمل خود دولت استنادکننده به آن یا ترکیبی از عمل او و سایر عوامل باشد، عذر فورس ماژور قابل طرح نیست. اشغال، استعمار و حکمرانی نژادپرستانه اقداماتی هستند که در حقوق بین‌الملل منع شده‌اند و حقوق بین‌الملل، از جمله در قطعنامه روابط دوستانه میان ملت‌ها (اعلامیه اصولی، قطعنامه شماره ۲۶۲۵ مجمع عمومی) به مردم ساکن در این سرزمین‌ها حق جدایی می‌دهد.

اما سؤالی که باقی می‌ماند این است که وضعیت مسئولیت اقدامات متخلفانه جدایی طلبان در این موارد (که نهضت آزادیبخش تلقی می‌شوند) در برابر ثالث چگونه است؟ پاسخ به این سؤال به این موضوع برمی‌گردد که چه تفاوتی میان حق دولت مرکزی در حفظ نظم عمومی کشورش و حق شورشیان برای جدایی وجود دارد؟ برخی میان «حق آزادی»<sup>۷۴</sup> و «حق مطالبه»<sup>۷۵</sup> تفاوت قائل می‌شوند که طبق حق آزادی،

۷۱. ضیایی بیگدلی، محمدرضا، حقوق بین‌الملل عمومی، نشر میزان، چاپ سی و یکم، ۱۳۸۸، ص ۴۸۲.

۷۲. از نظر کمیسیون یکی از مصادیق اجبار مذکور در ماده ۱۸، تهدید یا توسل به زور است. لذا چنانچه اقدام متخلفانه دولت مرکزی ارتباط مستقیمی با جنگ داخلی نداشته باشد از مفهوم اجبار خارج خواهد بود.

۷۳. در این حالت باید توجه داشت که معیار متخلفانه بودن یک امر، تعهدات بین‌المللی دولت پذیرنده است، نه تعهدات بین‌المللی متخلف (بند ۷ تفسیر ماده ۱۱ طرح مسئولیت دولت‌ها)؛ به‌ویژه وقتی بدانیم که تعهدات بین‌المللی شورشیان جدایی طلب به‌عنوان یک بازیگر غیردولتی از تعهدات بین‌المللی دولت مرکزی متفاوت است قاعداً تعهدات دولت اعم است از تعهدات شورشیان، این موضوع اهمیت می‌یابد.



جدایی‌طلبان می‌توانند برای به دست آوردن حق خود با دولت مرکزی بجنگند و نه دولت مرکزی متعهد به اعطای حق است و نه ثالث محق به مداخله مستقیم و غیرمستقیم برای کمک به جدایی‌طلبان. در حالی که طبق حق مطالبه، جدایی‌طلبان می‌توانند حق خود را از جامعه بین‌المللی مطالبه کنند.<sup>۷۶</sup> حق تعیین سرنوشت در وضعیت‌های استعماری، اشغال و نژادپرستی از حقوقی است که جنبه عام‌الشمول یافته است و در برابر حق خاص دولت مرکزی بر حفظ نظم عمومی قرار می‌گیرد. ماده ۴۸ طرح مسئولیت دولت‌ها، یکی از مواردی که بیان می‌کند ثالث حق استناد به عمل متخلفانه را دارد، جایی است که با حقی عام‌الشمول روبه‌رو باشیم.<sup>۷۷</sup> پس چگونه می‌توانیم از یک سو به ثالث حق طرح دعوا به نفع جدایی‌طلبان در موارد سه‌گانه بدهیم و از سوی دیگر، جدایی‌طلبان را در مقابل ثالث مسئول قلمداد کنیم؟ لذا منطقی آن است که در این موارد تنها دولت مرکزی را موضوع طرح مسئولیت بین‌المللی بدانیم، نه دولت جدیدالتأسیس را تا این‌گونه با وحدت مدعی و منتفع مواجه نشویم.

نکته دیگر این‌که بند دوم ماده ۱۰ طرح مسئولیت دولت‌ها در مواردی که جدایی‌طلبان موفق به تشکیل کشور جدید می‌شوند، دولت جدید را مسئول اقدام جدایی‌طلبان در طول فرایند جدایی می‌داند و برای این انتساب از اصل «انتساب فعل شورشیان» به دولت جدید استفاده می‌کند. این بند چنین تقریر شده است:

«۲. رفتار یک جنبش، خواه شورشی و خواه غیر آن که موفق به ایجاد دولت جدید در بخشی از قلمرو دولت سابق یا در قلمرو تحت اداره آن می‌شود به موجب حقوق بین‌الملل، فعل دولت جدید تلقی می‌شود».

بهرتر بود ماده ۱۰ طرح مسئولیت دولت‌ها به جای استفاده از اصل «انتساب رفتار شورشیان» به دولت جدیدالتأسیس، از اصل «انتساب مسئولیت شورشیان» به دولت جدیدالتأسیس بهره می‌برد. اصل انتساب مسئولیت یا مسئولیت نیابتی<sup>۷۸</sup> از استثنای اصل مسئولیت فردی است که طبق آن، هر شخصی مسئول رفتار خویش است. توسل به اصل انتساب رفتار نمی‌تواند توجیه کافی برای انتساب مسئولیت به یک شخصیت حقوقی جدید باشد. دلیل این امر شاید این باشد که کمیسیون بر آن بوده تا خود را از طرح موضوعی مانند شخصیت حقوقی شورشیان رهایی بخشد و مسئولیت دولت و شورشیان را یکی قلمداد کند. این در صورتی است که کمیسیون در تفاسیر خود از امکان طرح مسئولیت علیه جدایی‌طلبان صحبت می‌کند

---

#### 75. claim-right

۷۶. برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به: ضیایی، سید یاسر، «جدایی‌طلبی از منظر حقوق بین‌الملل: تعارض حق تعیین سرنوشت مردم با اصل احترام به تمامیت ارضی کشورها»، مجله پژوهش حقوق، شماره ۳۲، ۱۳۹۰، ص ۲۳۵-۲۶۸.

۷۷. این ماده بیان می‌کند: «۱. هر دولتی غیر از دولت زیان‌دیده حق دارد مطابق بند ۲ ذیل به مسئولیت دولت دیگر استناد کند؛ اگر... (ب) تعهد نقض شده در قبال جامعه بین‌المللی در کل باشد...».

#### 78. derived responsibility

تعمیم نظام مسئولیت بین‌المللی به ... ❖ ۶۹

که خود نشان از وجود شخصیت حقوقی مستقل برای شورشیان دارد.<sup>۷۹</sup> دلیل دیگر می‌تواند این باشد که یکی از شروط انتساب مسئولیت، آگاهی از عمل متخلفانه است، در صورتی که دولت مورد نظر از لحظه ایجاد، توانایی ادراک یافته است و در زمان عمل متخلفانه وجودی نداشته که درایتی وجود داشته باشد.<sup>۸۰</sup>

نکته دیگر در این ارتباط، موضوع مصالحه است. سؤال این است که چنانچه دولت مرکزی با جدایی‌طلبان، معاهده صلحی امضا و بخشی از سرزمین خود را به اختیار به جدایی‌طلبان منتقل کند وضعیت چگونه می‌شود؟ این سؤال وقتی اهمیت می‌یابد که بدانیم درخصوص شورشیان انقلابی، در صورت انعقاد قرارداد صلح یا آشتی ملی با دولت مرکزی، اصولاً مسئولیت به دولت مرکزی منتقل نمی‌شود (بند ۷ تفسیر ماده ۱۰ طرح مسئولیت دولت‌ها حقوق بین‌الملل). می‌توان قیاس کرد و در مورد شورشیان جدایی‌طلب نیز گفت که در صورت انعقاد قرارداد صلح و تقسیم اراضی میان دولت مرکزی و جدایی‌طلبان، مسئولیت بین‌المللی جدایی‌طلبان بر سر جای خود باقی است و این مصالحه به معنای تقبل مسئولیت بین‌المللی توسط دولت مرکزی نیست. باید توجه داشت چه آشتی ملی، چه مصالحه و چه عفو شورشیان به معنای معافیت شورشیان از مسئولیت بین‌المللی کیفری نخواهد بود، مگر آن‌که از چنین مصالحه‌ای، انتقال مسئولیت مستفاد شود.<sup>۸۱</sup>

در انتها باید توجه داشته باشیم که بحث انضمام‌طلبی از نظر کمیسیون، خارج از صلاحیت طرح مسئولیت دولت‌ها است (بند ۱۰ تفسیر ماده ۱۰ طرح مسئولیت دولت‌ها). این‌که آیا کشور منضم‌کننده مسئولیتی از بابت اعمال شورشیان ندارد، بحثی دیگر است. کمیسیون در بند ۷ تفسیر ماده ۱۰ بیان می‌دارد که دولت مرکزی در صورتی مسئول اعمال شورشیانی که با آن‌ها مصالحه کرده تلقی می‌شود که ترکیب دولت، بیانگر آن باشد که این دولت، استمرار و تداوم شورشیان است. درخصوص انضمام نیز در زمانی می‌توان ثالث را مسئول اقدامات جدایی‌طلبان ملحق شده قلمداد کرد که ترکیب دولت ثالث به نحوی باشد که بتوان آن را ادامه گروه شورشی دانست. در چنین حالتی با دولت ثالث مانند زمانی رفتار خواهد شد که جدایی‌طلبان خود موفق به جدایی شده‌اند.<sup>۸۲</sup>

---

۷۹. کمیسیون حقوق بین‌الملل در بند ۱۶ تفسیر ماده ۱۰ بیان می‌کند: یک احتمال دیگر آن است که خود جنبش شورشی به موجب حقوق بین‌الملل مسئول رفتار خویش قلمداد شود...

ILC Commentaries on The Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, 2001, Art. 10, Para. 16.

80. Jean d'Aspremont, "Rebellion and State Responsibility: Wrongdoing by Democratically Elected Insurgents", *International and Comparative Law Quarterly*, No. 58, 2009, pp.427-442.

81. *Ibid.*

82. برای ملاحظه نظری که معتقد است کشور منضم‌کننده در همه حال، رابطه ساختاری با جدایی‌طلبان دارد و لذا انصاف حکم می‌کند کشور منضم‌کننده را مسئول قلمداد کنیم، رجوع کنید به:

Patrick Dumberry, *State Succession to International Responsibility*, Martinus Nijhoff Publishers, 2007, p. 249.

## دوم) جدایی طلبان ناموفق در تشکیل دولت

دیوان در رأی بوسنی هرزه‌گوین علیه صربستان به این نتیجه رسید که اقدامات نیروی نظامی صرب‌های بوسنی منتسب به صربستان نیست، اما به این موضوع نپرداخت که خود جدایی طلبان جمهوری اسپرسکا<sup>۸۳</sup> تا چه اندازه مسئولیت بین‌المللی دارند و یا چگونه امکان مطالبه مسئولیت از آن‌ها وجود دارد؛ به این دلیل که دیوان بین‌المللی دادگستری دیوانی است برای حل اختلافات میان بازیگران دولتی، نه بازیگران غیردولتی.<sup>۸۴</sup> بند ۱۶ تفسیر ماده ۱۰ کمیسیون حقوق بین‌الملل بر طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها (مصوب ۲۰۰۱) بیان می‌دارد که «ممکن است خود جنبش شورشی به موجب حقوق بین‌الملل مسئول رفتار خویش قلمداد شود؛ به عنوان مثال به دلیل نقض حقوق بین‌الملل توسط نیروهایش. به هر حال موضوع مسئولیت بین‌المللی جنبش شورشی ناموفق، خارج از محدوده مواد حاضر قرار می‌گیرد؛ زیرا این مواد تنها به مسئولیت دولت می‌پردازند». لذا کمیسیون در وهله اول، موضوع مسئولیت بین‌المللی جدایی طلبان ناموفق را از صلاحیت خود خارج می‌کند.

در مسئولیت بین‌المللی میان دولت‌ها فعلاً فقط مسئولیت غیرکیفری قابل طرح است، در حالی که در رابطه با بازیگران غیردولتی، مسئولیت کیفری و غیرکیفری قابل طرح است. مسئولیت جدایی طلبان ناموفق در دو سطح قابل تصور است. در سطح اول، مسئولیتی است که فرماندهان نظامی و غیرنظامی جدایی طلبان به جهت اعمال افراد زیر دست خود دارا هستند و در سطح دوم، مسئولیتی است که افراد خصوصی به‌نوبه خود دارند.

باید توجه داشت آنچه تاکنون در خصوص فرماندهان نظامی و غیرنظامی مطرح شده، مسئولیت بین‌المللی کیفری است. مسئولیت فرماندهان نظامی اولین بار در کد لیبیر که برای جنگ‌های داخلی آمریکا در سال ۱۸۶۸ تهیه شده بود گنجانده شد. بند ۲ ماده ۸۶ پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو (مصوب ۱۹۷۷) بیان می‌دارد که نقض قواعد این پروتکل توسط زبردستان، مانع از تعقیب کیفری و انتظامی فرماندهی نمی‌شود که با اطلاع از چنین اقدامی، تدابیر لازم برای جلوگیری از آن را انجام ندهد. این مقرر بر خلاف ماده ۸۷ که صحبت از فرمانده نظامی می‌کند، فقط از عبارت فرمانده<sup>۸۵</sup> استفاده می‌کند که شامل فرماندهان غیرنظامی (مثل رهبران سیاسی) نیز می‌شود. هرچند پروتکل دوم در خصوص مخاصمات مسلحانه داخلی از مسئولیت فرماندهان صحبتی نکرده است؛ اما شعبه تجدیدنظر دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق در قضیه‌ای بیان داشت که سکوت این

83. Republic Srpska

84. Alberto Alvarez-Jimenez, "International State Responsibility for Acts of Non-State Actors: The Recent Standards Set by The International Court of Justice in Genocide and Why The WTO Appellate Body Should Not Embrace Them", *Journal of International Law and Commerce*, No. 35, 2007, p. 8.

85. superior

پروتکل به معنای مسئول ندانستن این گونه فرماندهان نیست.<sup>۸۶</sup> دیوان یوگسلاوی و رواندا نیز در بیان مسئولیت فرماندهان، تفکیکی میان فرماندهان نظامی و غیرنظامی قائل نشده‌اند.<sup>۸۷</sup>

دیوان عالی امریکا با تأیید حکم اعدام یاماشیتا<sup>۸۸</sup> به علت ارتکاب جرائم جنگی تحت کنترل وی، دکتورین یاماشیتا را بنیان گذاشت. طبق این دکتورین، صرف اقتدار قانونی فرمانده نظامی برای مسئول دانستن وی کافی دانسته شد. اما دادگاه نورمبرگ، عنصر روانی<sup>۸۹</sup> را نیز برای طرح مسئولیت فرمانده نظامی لازم دانست. در مقابل، دادگاه بیروت در سال ۲۰۰۱ در قضیه صبرا و شتیلا بیان داشت که آریل شارون وزیر دفاع اسرائیل، مسئولیت نیروهای مستقر در این مناطق را به عهده دارد؛ هرچند به طور رسمی و قانونی چنین اقتداری نداشته، بلکه به طور عملی و دوفاکتو اعمال اقتدار می‌کند. این دکتورین در انتساب مسئولیت کیفری به فرماندهان غیرنظامی، تعیین کننده است.<sup>۹۰</sup>

بند ۱ ماده ۲۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی به مسئولیت فرماندهان نظامی و غیرنظامی<sup>۹۱</sup> که به طور مؤثر و نظامی عمل می‌کنند، مانند پلیس و مقامات اجرایی اشاره دارد و بند ۲ همین ماده به فرماندهان غیرنظامی که به طور مؤثر، اما غیرنظامی عمل می‌کنند، مانند رهبران سیاسی، می‌پردازد. این دو مقرره، ارتکاب جرائم جنگی توسط زیردستان را مانع از طرح مسئولیت فرماندهان نمی‌داند با این تفاوت که بند اول، عنصر مادی را کافی می‌داند و بند دوم عنصر معنوی (آگاهی از ارتکاب جرم) را نیز برای فرمانده لازم می‌داند. غیرنظامیان مذکور در بند اول این ماده آن‌هایی هستند که عملاً دستورات نظامی می‌دهند، مانند رئیس جمهور؛ اما غیرنظامیان مذکور در بند دوم این ماده آن‌هایی هستند که رابطه نظامی میان آن‌ها وجود ندارد، مانند رابطه وزیر کشور با پلیس یا رابطه کارفرما و کارگران.<sup>۹۲</sup> دادگاه‌های توکیو، نورمبرگ و امریکا نیز فرماندهان غیرنظامی را محکوم کرده‌اند. به طور مثال، دادگاه امریکا در ۱۹۹۶، رئیس جمهور سابق فیلیپین

---

86. Robert Cryer, "Command Responsibility at the ICC and ICTY: In Two Minds on the Mental Element?", *European Journal of International Law*, 2009, available at <http://www.ejiltalk.org/command-responsibility-at-the-icc-and-icty-in-two-minds-on-the-mental-element/>

87. Guenael Mettraux, "The Evolution of the Law of Command Responsibility and the Principle of Legality", *The Law of Command Responsibility*, March 2009, pp. 3-13, available at [http://fds.oup.com/www.oup.com/pdf/13/9780199559329\\_chapter1.pdf](http://fds.oup.com/www.oup.com/pdf/13/9780199559329_chapter1.pdf)

88. Yamashita

89. mens rea

90. Avi Singh, "Criminal Responsibility for Non-State Civilian Superiors Lacking De Jure Authority: A Comparative Review of the Doctrine of Superior Responsibility and Parallel Doctrines in National Criminal Laws", *Hastings International and Comparative Law Review*, No. 28, 2005, p. 267.

۹۱. این ماده از واژه command برای فرمانده نظامی و از واژه authority برای فرمانده غیرنظامی استفاده می‌کند.

92. Avi Singh, *op.cit.*, p. 276.

را به علت جنایات جنگی توسط زیردستانش محکوم کرد.<sup>۹۳</sup>

اقدام شورشیان از موجبات رافع وصف متخلفانه فعل دولت مرکزی محسوب می‌شود. اقدامات متخلفانه بین‌المللی دولت مرکزی برای سرکوب شورشیان در چارچوب ضرورت نظامی، مسئولیت بین‌المللی آن دولت را به همراه ندارد و تنها دولت مرکزی را متعهد به جبران خسارات مادی وارد می‌کند. لذا در چنین حالتی نمی‌توان شورشیان را مسئول تخلفات بین‌المللی دولت مرکزی دانست؛ برخلاف زمانی که شورشیان موفق به تشکیل کشوری مستقل شده‌اند که در این حالت، دولت جدید، مسئول اقدامات متخلفانه دولت مرکزی در راستای سرکوب آن‌ها خواهد بود.

اما در مورد مسئولیت بین‌المللی غیرکیفری (مدنی) گروه‌های جدایی‌طلب نظامی باید با احتیاط بیش‌تری سخن گفت. مسلم است که اساساً اعمال مسئولیت بین‌المللی غیرکیفری بر بازیگران غیردولتی امری مشکل است. با این حال، برخی از اندیشمندان معتقدند که خصوصی‌سازی در عرصه داخلی موجب طرح مسئولیت<sup>۹۴</sup> برای اشخاص خصوصی می‌شود که البته نمی‌توان این موضوع را به عرصه بین‌المللی تعمیم داد؛ چرا که مبانی حقوق داخلی و حقوق بین‌الملل متفاوتند. هرچند طرح مسئولیت کیفری نیاز به احراز شخصیت بین‌المللی ندارد، اما برای طرح مسئولیت غیرکیفری لازم است که بازیگر مورد تعقیب از شخصیت بین‌المللی برخوردار باشد. لذا برخی مفهوم «ذهنیت بین‌المللی»<sup>۹۵</sup> را مطرح کرده‌اند<sup>۹۶</sup> که طبق آن، یک موجودیت در صورتی موضوع حق و تکلیف غیرکیفری قرار می‌گیرد که از شخصیت حقوقی بین‌المللی برخوردار باشد (شخصیت فعال برای داشتن حق و شخصیت منفعل برای داشتن تکلیف). در هر حال، طرح مسئولیت بازیگران خصوصی، نه‌تنها از طریق هنجارهای لازم‌الاجرای حقوق بین‌الملل، بلکه از طریق مجاری حقوق ملی امکان‌پذیر است.<sup>۹۷</sup>

وقتی صحبت از مسئولیت بین‌المللی جدایی‌طلبان می‌کنیم منظور زمانی است که دولتی علیه جدایی‌طلبان طرح دعوا کند و لذا طرح دعوای اشخاص خصوصی علیه جدایی‌طلبان تحت شمول حقوق بین‌الملل خصوصی خواهد بود، نه حقوق بین‌الملل عمومی. برای ارزیابی امکان طرح مسئولیت جدایی‌طلبان ناموفق می‌توان به طور کلی به امکان طرح مسئولیت علیه بازیگران غیردولتی تأسی جست. برای تبیین مسأله، این موضوع را با مثال شرکت‌های خصوصی حاضر در عراق ادامه می‌دهیم. برخی شرکت‌های

93. Hilao v. Estate of Marcos (Marcos II), 103 F.3d 767, 778 (9th Cir. 1996).

94. accountability

95. international subjectivity

96. Nicolas Carrillo Santarelli, *op.cit.*

97. Steven R. Ratner, "Corporations and Human Rights: a Theory of Legal Responsibility", *The Yale Law Journal*, 2001, Vol. 111, No. 443, p.497.

خصوصی وجود داشتند که در زندان ابوغریب عراق در خدمت ارتش امریکا فعالیت می‌کردند.<sup>۹۸</sup> کارکنان برخی از این شرکت‌ها به طور خودسرانه مرتکب اعمال متخلفانه حقوق بشری و حقوق بشردوستانه می‌شدند. در صورت فقدان مرجعی در سطح بین‌المللی برای رسیدگی به اقدامات این افراد باید به ساز و کارهای داخلی مراجعه کرد. رجوع به دادگاه‌های داخلی عراق برای طرح مسئولیت این شرکت‌ها امکان‌پذیر نیست، زیرا افراد نظامی در کشور خارجی از مصونیت قضایی برخوردارند.<sup>۹۹</sup> البته اعمال این مصونیت بر نظامیان جدایی‌طلب در کشورهای ثالث، بعید به نظر می‌رسد. تنها زمانی یک دادگاه چنین مصونیتی را در نظر می‌گیرد که شورشیان جدایی‌طلب به‌عنوان یک موجودیت بین‌المللی توسط کشور متبوع آن دادگاه به رسمیت شناخته شده باشند.

در دادگاه‌های امریکا علیه هشت نفر از مستخدمان این شرکت‌های خصوصی طرح دعوا شد که در مورد چهار نفر آن‌ها حکم محکومیت صادر گردید. لذا تنها راه طرح مسئولیت نظامیان این شرکت‌های خصوصی، رجوع به دادگاه‌های مدنی امریکا بود که طبق مقرراتی، برخی جرائم فرامرزی مانند شکنجه و جرم جنگی را تحت صلاحیت خود درآورده است. اما عیب این روش آن است که دولتی که باید طرح دعوا کند در طرح نکردن دعوا ذینفع است. به عبارت دیگر، خواهان و خوانده با یکدیگر قرابت نفعی دارند. در بسیاری از پرونده‌های این چنینی ارتباط میان بازیگر غیردولتی با دولت امریکا اثبات شده و از لحظه اثبات، خواننده دعوا دولت امریکا بوده است، نه بازیگر غیردولتی.<sup>۱۰۰</sup> زمانی که انتساب عمل جدایی‌طلبان به یک دولت محرز شود مسئولیت بین‌المللی جدایی‌طلبان به مسئولیت بین‌المللی دولت تبدیل می‌شود. به‌علاوه ممکن است کشور متبوع این افراد، واجد قوانین فراسرزمینی<sup>۱۰۱</sup> برای اعمال صلاحیت در ورای مرزهای خود نباشد. یکی دیگر از راه‌های طرح دعوا علیه بازیگران غیردولتی، رجوع به کمیته‌ها و کمیسیون‌هایی است که حول یک معاهده یا نهاد بین‌المللی شکل گرفته‌اند.<sup>۱۰۲</sup> مثلاً کمیساریای عالی ملل متحد برای برنامه پیگیری حقوق اقلیت‌ها<sup>۱۰۳</sup> می‌تواند محلی برای تبیین طرح مسئولیت علیه شورشیان قلمداد شود.

نکته دیگر آن که چنان که ذکر شد از نظر دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی، آستانه لازم برای انتساب اقدام یک گروه غیردولتی به دولت، کنترل کلی است؛ در حالی که آستانه لازم برای انتساب اقدامات

---

۹۸. برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به: عسکری، پوریا، «شرکت‌های خصوصی نظامی و امنیتی و حقوق بین‌الملل بشردوستانه»، مجله پژوهش‌های حقوقی، ش ۱۲، ۱۳۸۶، ص ۱۰۵-۸۳.

99. Laura A. Dickinson, "Accountability of State and Non-state Actors for Human Rights Abuses in The 'War On Terror'", *Tulsa J. Comp and International Law*, Vol. 12, No. 1, 2005, p.57.

100. *Ibid.*, p.60.

101. extraterritorial

102. Nicolas Carrillo Santarelli, *op.cit.*

103. UN High Commission for Human Rights Minority Fellowship Program

افراد یا مجموعه‌ای از افراد غیرمتشکل به یک دولت، کنترل مؤثر است.<sup>۱۰۴</sup> طبق این استدلال می‌توان گفت لازمه طرح مسئولیت علیه فرماندهان نظامی و غیرنظامی جدایی‌طلبان در قالب یک گروه (یعنی جدایی‌طلبانی که شرایط ذکر شده را کسب کرده باشند) این است که آن فرمانده بر افراد داخل گروه خود کنترل کلی داشته باشد، در حالی که اگر این گروه فاقد شرایط لازم برای اخذ شخصیت حقوقی باشد، انتساب عمل یک فرد به فرمانده در صورتی امکانپذیر است که کنترل مؤثر احراز گردد.

### ب) افراد خصوصی

کمیسیون در بند ۱۰ تفسیر ماده ۱۰ طرح مسئولیت دولت‌ها بیان می‌دارد که اصطلاح «شورش»<sup>۱۰۵</sup> اعمال گروهی از شهروندان را که از تجزیه یا انقلاب حمایت می‌کنند و هنگامی که آن اعمال در چارچوب قلمرو دولت سابق انجام می‌شوند را دربرنمی‌گیرد. به عبارت دیگر، چنانچه افرادی در جریان مخاصمه برای جدایی، مرتکب اعمال متخلفانه بین‌المللی شوند و جزء گروه نظامیان - چه در مفهوم ماده ۳ مشترک و چه در مفهوم پروتکل دوم الحاقی -<sup>۱۰۶</sup> تلقی نشوند، مشمول مقررات این طرح نمی‌شوند. در مورد این که چه قواعدی برای طرح مسئولیت بین‌المللی این افراد وجود دارد باید به دیگر اسناد و اصول حقوق بین‌الملل رجوع کرد. منطقی آن است که مسئولیت دولت ناشی از اقدامات مأموران دولتی را مبتنی بر نظریه خطر یا تخلف بدانیم و مسئولیت دولت ناشی از اقدامات افراد خصوصی ساکن در کشور را مبتنی بر نظریه خطا یا تقصیر تصور کنیم. اعمال اشخاص خصوصی و شورشیان، علی‌الاصول قابل انتساب به دولت نیست و زمانی قابل انتساب به دولت خواهد بود که دولت تلاش معقول<sup>۱۰۷</sup> را برای حمایت از منافع ثالث انجام ندهد باشد. در غیر این صورت، مسئولیت مستقیماً متوجه شخص خصوصی یا شورشی خواهد بود. دادگاه امریکایی حقوق بشر در قضیه‌ای بیان داشت که هندوراس مسئول خسارات وارد بر بیگانگان از سوی افراد خصوصی است؛ به این دلیل که تلاش معقول و مراقبت کافی از آن‌ها را به عمل نیاورده است، هرچند افراد خصوصی ارتباطی با دولت نداشته‌اند.<sup>۱۰۸</sup> یکی دیگر از اشکال تلاش معقول، تعقیب و مجازات متخلفان توسط دولت

---

۱۰۴. از آنجا که صلاحیت شخصی دیوان بین‌المللی دادگستری، محدود به دولت‌ها است، اتخاذ نظر دیوان بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق که صلاحیت شخصی آن مربوط به بازیگران غیردولتی است، در این جا منطقی‌تر است.

105. insurrection

۱۰۶. در حالی که پروتکل الحاقی، ۴ شرط را برای تعریف شورش در نظر گرفته، ماده ۳ مشترک در این خصوص ساکت مانده است. اما تفسیر صلیب سرخ در مورد این ماده بیان می‌کند که برای احراز یک مخاصمه مسلحانه غیربین‌المللی باید حداقل یک سازماندهی در میان نیروهای غیردولتی وجود داشته باشد. لذا حداقل شرط برای این که گروه یا مجموعه‌ای از افراد خصوصی را شورش بدانیم رجوع به عنصر سازماندهی بودن است.

107. due diligence

108. Velásquez-Rodríguez Case, Inter-Am. C.H.R., ser. C, No. 4, July 29, 1988.

است. در چنین حالت‌هایی، مسئولیت افراد خصوصی و دولت به طور مشترک قابل طرح است. از این رو، پس از پایان یافتن یک شورش ناموفق، دولت موظف به تعقیب یا مجازات شورشیان متخلف است. در غیر این صورت، مسئولیت دولت از جهت تعهد به جلوگیری مثلاً از نقض حقوق بشر یا حقوق بشردوستانه قابل طرح خواهد بود که این مسئولیت، رافع مسئولیت مستقیم شورشیان نخواهد بود و چنانچه شورشیان مورد عفو قرار گیرند ممکن است موجب طرح مسئولیت نیابتی دولت شود.

هرچند تعهد دولت به مراقبت از افراد خصوصی وجود دارد؛ اما عمل شورشیان جدایی طلب مصداق فورس مازور است و قابل جمع با این تعهد نیست، چرا که فورس مازور واقعه‌ای غیرقابل پیش‌بینی یا غیرقابل احتراز است که کنترل را از دست دولت خارج می‌سازد (ماده ۲۳ طرح مسئولیت دولت‌ها). این واقعه می‌تواند ناشی از عوامل انسانی باشد که کمیسیون، شورش را برای آن مثال زده است. طرح مسئولیت بین‌المللی کیفری افراد خصوصی در مخاصمات داخلی در چارچوب اساسنامه دیوان‌های یوگسلاوی، رواندا و بین‌المللی کیفری<sup>۱۰۹</sup> قابل طرح است و مسئولیت بین‌المللی غیرکیفری این افراد تنها از طریق طرح دعوا در مراجع داخلی قابل طرح خواهد بود. البته این امکان منوط خواهد بود به این که دادگاه ملی طبق صلاحیت شخصی<sup>۱۱۰</sup> دولت را به‌عنوان خواهان دعوا بپذیرد؛ در حالی که بسیاری از دادگاه‌ها فقط دعاوی اشخاص خصوصی را در دادگاه‌های عمومی قابل استماع می‌دانند.

## ۵. آثار حقوقی فعل متخلفانه بین‌المللی جدایی طلبان

چنانچه جدایی طلبان موفق به تشکیل کشور شوند متعهد به رفع آثار فعل متخلفانه بین‌المللی خود، اعم از توقف و تضمین به عدم تکرار فعل متخلفانه و جبران خسارت هستند. اما چنانچه جدایی طلبان موفق به تشکیل کشور نشوند این سؤال پیش می‌آید که چه ساز و کارهایی برای رفع آثار فعل متخلفانه بین‌المللی آن‌ها وجود دارد؟ می‌توان از «قواعد حاکم بر مسئولیت شرکت‌های فراملی و دیگر شرکت‌های تجاری در ارتباط با حقوق بشر» که توسط کمیته فرعی حمایت و تضمین حقوق بشر تهیه شد بهره گرفت که بیان داشته در وهله اول، سازمان ملل متحد باید نظارت دوره‌ای بر اقدامات این بازیگران داشته باشد. در وهله دوم، کشورها باید قوانینی را برای تضمین مسئولیت این بازیگران تصویب و اجرا کنند و در وهله سوم، خود

---

۱۰۹. ماده ۲۳ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری مقرر می‌دارد: «۱. در صورتی که جرم ارتکاب یافته تحت صلاحیت دیوان توسط شخصی به دنبال دستور یک دولت یا یک مقام مافوق، چه نظامی و چه غیرنظامی محقق شود نباید موجب برائت شخص از مسئولیت کیفری شود، مگر این‌که: الف) این شخص از نظر قانونی ملزم بوده باشد که از دستورات دولت یا مقام مافوق تبعیت کند، ب) این شخص نمی‌دانسته که دستور غیرقانونی بوده است، و ج) دستور به طور آشکارا غیرقانونی نبوده باشد.

۲. در راستای اهداف این ماده، دستور به ارتکاب نسل‌کشی و جرائم علیه بشریت به طور آشکار غیرقانونی محسوب می‌شود».



این شرکت‌ها باید امکان جبران خسارت کافی، فوری و مؤثر زیان‌دیدگان را فراهم سازند.<sup>۱۱۱</sup> اعمال این روش‌ها در رابطه با شورشیان به طور کلی و جدایی‌طلبان به طور خاص امکان‌پذیر است؛ اما برخلاف شرکت‌های فراملی که دارایی‌های هنگفت آن‌ها در کشور میزبان می‌تواند به عنوان وثیقه‌ای برای جبران خسارات وارد به کشور میزبان تلقی شود، عملی بودن دریافت غرامت مستقیم از گروه‌های شورشی جدایی‌طلب دور از ذهن است. به همین دلیل، دولت‌ها ترجیح می‌دهند به هر نحو اقدام شورشیان را به یک دولت ثالث منتسب کنند تا امید بیش‌تری به جبران خسارات وارد به خود را داشته باشند. با این حال باید توجه داشت جبران خسارت از جدایی‌طلبان لزوماً از طریق پرداخت غرامت صورت نمی‌گیرد، بلکه می‌تواند از طریق اعاده وضع به حال سابق و تشریف خاطر مانند عذرخواهی نماینده مردم جدایی‌طلب یا نامشروع اعلام کردن خواسته‌های خود نیز صورت پذیرد.

### نتیجه‌گیری

میان حقوق بین‌الملل و جامعه بین‌المللی، رابطه‌ای جامعه‌شناختی وجود دارد. توسعه حقوق بین‌الملل، تابع تحول جامعه بین‌المللی است. جامعه بین‌الملل امروز سیمایی کاملاً متفاوت از سال‌های آغاز تشکیل سازمان ملل متحد دارد. آن زمان که دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی مشورتی سال ۱۹۴۹ خویش در قضیه جبران خسارات وارد به کارکنان سازمان ملل متحد، نوع و ماهیت تابعان هر نظام حقوقی را متأثر از ضرورت‌های آن نظام دانست و برخورداری از حاکمیت را لازمه برخورداری از شخصیت حقوقی بین‌المللی قلمداد نکرد، زیرکانه خاتمه دوران انحصارگری دولت در صحنه روابط بین‌المللی را اعلام کرد و به بهانه سازمان ملل متحد، زمینه ظهور دیگران را نیز در جامعه بین‌المللی فراهم آورد.

حضور نظری و عملی بازیگران غیردولتی در عرصه بین‌المللی در حالی فزونی گرفت که قواعد ناظر بر مسئولیت این بازیگران به انسجام کافی دست نیافته بود و لذا تا مدت‌ها این موجودیت‌های جدید، خود را صرفاً ذیحق می‌پنداشتند. رویه بین‌المللی نشان داد که حقوق بین‌الملل نسبت به تکالیف و مسئولیت بین‌المللی این بازیگران بی‌اعتنا نیست. به همین دلیل به ترتیب، موضوع مسئولیت بین‌المللی سازمان‌های بین‌المللی، شرکت‌های فراملی تجاری و شرکت‌های نظامی مطرح شد. در این میان، موضوع تکالیف و مسئولیت بین‌المللی شورشیان کم‌تر مورد توجه جامعه بین‌المللی قرار گرفت، آن هم به دلیل این نگرانی که پذیرش تعهدات بین‌المللی برای شورشیان، اعم از تعهدات اولیه و ثانویه، موجب شناسایی ضمنی موجودیت این شورشیان خواهد شد؛ در حالی که از سوی دیگر، عدم شناسایی مسئولیت برای شورشیان موجب تهور

---

**111.** Human Rights Principles and Responsibilities for Transnational Corporations and Other Business Enterprises, introduction, U.N. Doc. E/CN.4/Sub.2/2002/XX/Add.1, E/CN.4/Sub.2/2002/WG.2/WP.1/Add.1 (February 2002 for discussion in July/August 2002).

شورشیان در رسیدن به اهداف خود می‌شود.

افزایش ۱۵۳ عضو سازمان ملل متحد از سال ۱۹۹۰ به ۱۹۳ عضو تا به امروز به طور کلی ناشی از پدیده جدایی‌طلبی بوده است. در اثر تحولات بین‌المللی مختلف، از یک سو عاملان غیردولتی به‌ویژه جدایی‌طلبان به بسیاری از قواعد اولیه حقوق بین‌الملل ملتزم گشته‌اند و از سوی دیگر با جابه‌جایی نقش‌های سنتی در روابط بین‌الملل و به‌ویژه افزایش درگیری‌های داخلی، ضرورت بازنگری در جایگاه بازیگران غیردولتی در حقوق مسئولیت بین‌المللی جلب توجه می‌کند. امروزه بازیگران غیردولتی به‌ویژه جدایی‌طلبان فقط قربانی نقض حقوق بین‌الملل نیستند، بلکه در موارد عدیده‌ای به نقض حقوق بین‌الملل نیز مبادرت ورزیده‌اند. پدیده جدایی‌طلبی، مقوله‌ای است که بیش از پیش در گزینه‌های پیش روی اقلیت‌های قربانی نقض حقوق بشر قرار دارد، در حالی که حقوق ناظر بر این پدیده سیاسی هنوز در مرحله ابتدایی شکل‌گیری و توسعه خویش است. حقوق بین‌الملل هرچند در ارتباط با حقوق جدایی‌طلبان نسبت به دولت مرکزی، مقرراتی کلی و پراکنده دارد، اما وقتی به حقوق دول مرکزی و ثالث نسبت به جدایی‌طلبان توجه می‌کنیم می‌توان گفت حقوق بین‌الملل در این زمینه نسبتاً با خلأ قانونی مواجه است.

با این حال با بهره‌گیری از اصول و مبانی حقوق مسئولیت بین‌المللی و با تأسی به منطق حقوقی می‌توان قواعد ابتدایی حاکم بر مسئولیت جدایی‌طلبان را استخراج کرد. در هر صورت، مشکلات عملی ناشی از نقصان‌های نظری در رابطه با مسئولیت جدایی‌طلبان همچنان باقی می‌ماند؛ مانند بدون جبران ماندن خسارات وارد در جریان انضمام‌طلبی در حالتی که جدایی‌طلبان جزئی از ترکیب دولت نمی‌شوند. اما دستیابی به مجموعه کاملی از حقوق مسئولیت بین‌المللی جدایی‌طلبان جز با کشف چالش‌های حقوقی و واقعی امکان‌پذیر نیست. از یک سو، حقوق بین‌الملل موجود به توسعه حقوق مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها معطوف است و از سوی دیگر، واقعیت، حاکی از عدم تمایل دولت‌ها و جدایی‌طلبان به شناسایی مسئولیت بین‌المللی جدایی‌طلبان است. دولت برای پرهیز از مورد شناسایی قرار گرفتن جدایی‌طلبان و جدایی‌طلبان برای اجتناب از بار مادی و معنوی مسئولیت بر چنین اعتقادی اصرار دارند.

بهترین روش برای به نظم کشیدن مسئولیت جدایی‌طلبان، توسعه حقوق ملی در چارچوب صلاحیت‌های جهانی است. حقوق مسئولیت بین‌المللی جدایی‌طلبان موضوعی است که نیاز به رویه‌های قضایی و یا احیاناً تصویب اسناد جدیدی در حقوق بین‌الملل دارد. همان‌طور که موضوع تعهدات بین‌المللی شرکت‌های فراملی و مسئولیت آن‌ها مورد توجه قطعنامه‌های سازمان همکاری اقتصادی اروپا، سازمان بین‌المللی کار و سازمان ملل متحد قرار گرفته، لازم است نهادهایی مانند کمیساریای عالی ملل متحد نیز برای برنامه پیگیری حقوق اقلیت‌ها و سازمان ملل متحد در تبیین حقوق مسئولیت بین‌المللی جدایی‌طلبان تلاش‌هایی صورت دهند.

## فهرست منابع

### الف) منابع فارسی

- ۱- زمانی، سیدقاسم، «توسعه مسئولیت بین‌المللی در پرتو حقوق بین‌الملل محیط زیست»، مجله پژوهش‌های حقوقی، ش ۱، ۱۳۸۱.
- ۲- زمانی، سیدقاسم، «جایگاه اصول و قواعد مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قضیه سکوه‌های نفتی»، مجموعه مقالات پیرامون رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه سکوه‌های نفتی، زیر نظر جمشید ممتاز، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۴.
- ۳- زمانی، سیدقاسم، حقوق سازمان‌های بین‌المللی: شخصیت، مسئولیت، مصونیت، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، چاپ ششم، ۱۳۸۸.
- ۴- ضیایی، سید یاسر، «جدایی طلبی از منظر حقوق بین‌الملل: تعارض حق تعیین سرنوشت مردم با اصل احترام به تمامیت ارضی کشورها»، مجله پژوهش حقوق، شماره ۳۲، ۱۳۹۰.
- ۵- ضیایی بیگدلی، محمدرضا، حقوق بین‌الملل عمومی، نشر میزان، چ ۳۱، ۱۳۸۸.
- ۶- عسکری، پوریا، «شرکت‌های خصوصی نظامی و امنیتی و حقوق بین‌المللی بشردوستانه»، مجله پژوهش‌های حقوقی، شماره ۱۲، ۱۳۸۶.
- ۷- کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد، مسئولیت بین‌المللی دولت: متن و شرح مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل، ترجمه علیرضا ابراهیم‌گل، چ ۲، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهردانش، ۱۳۸۹.

### ب) منابع انگلیسی

- 1- Alston. Philip, *Non-State Actors and Human Rights*, Oxford University Press, 2002.
- 2- Alvarez-Jimenez. Alberto, "International State Responsibility For Acts of Non-State Actors: The Recent Standards Set by The International Court of Justice in Genocide and Why The WTO Appellate Body Should Not Embrace Them", *Journal of International Law and Commerce*, No. 35, 2007.
- 3- Clapham, Andrew, "Human rights obligations of non-state actors in conflict situations", *International Review of Red Cross*, Vol. 88, No. 863, 2006.
- 4- Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide (Genocide Convention) 78 UNTS 277 (entered into force 12/01/1951)

- 5- Cryer, Robert., "Command Responsibility at the ICC and ICTY: In Two Minds on the Mental Element?", *European Journal of International Law*, 2009, available at <http://www.ejiltalk.org/command-responsibility-at-the-icc-and-icty-in-two-minds-on-the-mental-element/>
- 6- Dickinson, Laura A., "Accountability of State and Non-state Actors For Human Rights Abuses In The 'War On Terror'", *Tulsa J. Comp and International Law*, Vol. 12, No. 1, 2005.
- 7- Dumberry, Patrick, *State Succession to International Responsibility*, Martinus Nijhoff Publishers, 2007.
- 8- Fariior, Stephanie., "State Responsibility in a Multiactor World, State Responsibility For Human Rights Abuses By Non-State Actors", *American Society of International Law Proceedings*, no. 92, 1998.
- 9- General Assembly Res. 2625, 1970.
- 10- Human Rights Principles and Responsibilities for Transnational Corporations and Other Business Enterprises, introduction, U.N. Doc. E/CN.4/Sub.2/2002/XX/Add.1, E/CN.4/Sub.2/2002/WG.2/WP.1/Add.1 (February 2002 for discussion in July/August 2002).
- 11- I.C.J. Reports., Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide (Croatia v. Serbia), 1999.
- 12- I.C.J. Reports., Armed Activities on the Territory of the Congo (Democratic Republic of the Congo v. Uganda), 2005.
- 13- I.C.J. Reports., Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua (Nicaragua v. United States of America), 1984.
- 14- ICJ Reports. 1971, The Case Concerning South Africa in Namibia, Advisory Opinion.
- 15- ICJ Reports. Congo v. Belgium, 2002, Dissenting Opinion by Judge Van Den Wyngaert.
- 16- ILC Commentaries on The Draft Articles on State Responsibility for Internationally Wrongful Acts, 2001.

- 17- International Covenant on the Elimination of all forms of Racial Discrimination 660 UNTS (entered into force 4/01/1969).
- 18- I.C.J. Reports. 1995, The Case Concerning East Timor, I.C.J. Rep. 1971, The Case Concerning South Africa in Namibia , Advisory Opinion,
- 19- I.C.J. Reports. 1975, The Case Concerning West Sahara, Advisory Opinion, General Assembly Res. 2625, 1970, Res. General Assembly 1514, 1960.
- 20- Jean d'Aspremont, "Rebellion and State Responsibility: Wrongdoing By Democratically Elected Insurgents", *International and Comparative Law Quarterly*, no. 58, 2009.
- 21- League of Nations, Official Journal, fifth year, No. 4, 1924, quoted from ILC Commentaries on The Draft Articles on Responsibility for Internationally Wrongful Acts, 2001.
- 22- Lipton, Jacqueline D., "Who Owns 'Hillary.Com'? Political Speech and the First Amendment in Cyberspace", *Political Speech in Cyberspace*, Case Legal Studies Research Paper, No. 07-16, 2008.
- 23- Lopez, Laura, "Civil Wars: The Challenge Of Applying International Humanitarian Law To Internal Armed Conflicts", *New York University Law Review*, No. 69, 1994.
- 24- Martin, Elizabeth A., *Dictionary of Law*, Oxford University Press, sixth edition, 2006.
- 25- Mattraux, Guenael., *The Evolution of the Law of Command Responsibility and the Principle of Legality*, *The Law of Command Responsibility*, March 2009 , pp. 3-13, available at [http://fds.oup.com/www.oup.com/pdf/13/9780199559329\\_chapter1.pdf](http://fds.oup.com/www.oup.com/pdf/13/9780199559329_chapter1.pdf)
- 26- McBeth, Adam., "Every Organ of Society: The Responsibility of Non-State Actors for the Realization of Human Rights", *Hamline Journal of Public Law and Policy*, No. 33, 2008.
- 27- Perrin, Benjamin., "Promoting compliance of private security and military companies with international humanitarian law", *International Review of Red Cross*, Volume 88 Number 863, 2006.

- 28- R.I.A.A. Vol. IX, p. 445, (1903).
- 29- Ramsey, Michael D., "International Law Limits on Investor Liability in Human Rights Litigation", *Harvard International Law Journal*, Vol. 50, No. 2, 2009.
- 30- Ratner, Steven R., "Corporations and Human Rights: a theory of legal responsibility", *The Yale Law Journal*, 2001, Vol. 111, No. 443.
- 31- Santarelli, Nicolas Carrillo., "Non-State Actors' Human Rights Obligations And Responsibility Under International Law", *Revista Electrónica De Estudios Internacionales*, No. 15, 2008, available at [www.reei.org](http://www.reei.org)
- 32- Santiago M. Villalpando, "Attribution of Conduct to the State: How the Rules of State Responsibility may be Applied Within the WTO Dispute Settlement System", *Journal of International Economic Law*, 2002, 5(2).
- 33- Kiran. Mohan. V., "Terrorism And Asymmetric Warfare: State Responsibility For The Acts Of Non-State Entities Nicaragua, Tadic, And Beyond", *Journal of the Institute of Justice and International Studies*, 2008., No. 8.
- 34- Security Council Resolution 1368 (2001), 1703 (2006).
- 35- Security Council Resolution 1471 (2003), 1216 (1998), 1509 (2003).
- 36- Singh, Avi., "Criminal Responsibility For Non-State Civilian Superiors Lacking De Jure Authority: A Comparative Review of the Doctrine of Superior Responsibility And Parallel Doctrines in National Criminal Laws", *Hastings International and Comparative Law Review*, no. 28, 2005.
- 37- Solla, María Fernanda Pérez., *The Notion of International Responsibility: A 'Classic' in Times of Change?*, available at [http://www.esil-sedi.eu/fichiers/en/PerezSolla\\_812.pdf](http://www.esil-sedi.eu/fichiers/en/PerezSolla_812.pdf)
- 38- Spinedi, Marina., "State Responsibility v. Individual Responsibility for International Crimes: Tertium Non Datur?", *European Journal of International Law*, Vol. 13, No. 4, 2002.
- 39- Horst Fischer, Ulrika Froissart, Wolff Heintschel von Heinegg, and Christian Raap (eds.), *Krisensicherung und Humanitaerer Schutz – Crisis Management and Humanitarian Protection: Festschrift fu'r Dieter Fleck*, Berliner Wissenschafts-

- Verlag, Berlin, 2004.
- 40- Stark, J.G., “Imputability in International Delinquencies”, *British Yearbook of International Law*, 1938.
- 41- Tsafack Jean. B, *In Search For Direct Corporate Responsibility For Human Rights Violations In Africa: Which Way Forward?*, A Dissertation Submitted To The Centre For Human Rights, Faculty Of Law, University Of Pretoria, South Africa, In Partial Fulfilment Of The Requirements Of The Degree Of LLM (Human Rights And Democratisation In Africa), 2004.
- 42- UN Doc. E/CN.4/2006/11/Add.1, 3 March 2006.
- 43- UN Security Council, Res. 1296.
- 44- Velásquez-Rodríguez Case, Inter-Am. C.H.R., ser. C, No. 4, July 29, 1988.